

گزارش سال

۲۰۲۲



گزارش سال

۲۰۲۲



کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران



حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می باشد.
چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است.
از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران - مارس ۲۰۲۲

ISBN: 978-2-35822-012-5

 women.ncr-iran.org/fa

 @womenncri

 @womenncri.fa

فهرست مطالب

زنان نیروی تغییر

تهدید موجودیت رژیم ایران	2
معلمان، تداوم فریاد ناراضی	4
لایحه رتبه‌بندی معلمان	8
زنان به اعتراضات کشاورزان در اصفهان می‌پیوندند	10
اعتراضات در خوزستان برای آب	12
مادران شهیدان قیام آبان ۹۸	14
تحریم انتخابات نمایشی ریاست جمهوری، کانون‌های شورشی	15

اعدام زنان در ایران

افزایش تکانه‌دهنده اعدام زنان در ایران	16
افزایش اعدام‌ها زیر نظر ابراهیم رئیسی	17
زنانی که حکم اعدام می‌گیرند چه کسانی هستند؟	18
۳ پرونده سمبلیک	20
اسامی زنان اعدام شده در ایران از آغاز سال میلادی ۲۰۲۱	21

بهای آزادی

شرایط زندانیان سیاسی و عقیدتی

22

خشونت علیه زنان

قوانین زن ستیزانه و نظم پدرسالارانه مجوز زن‌کشی و قتل‌های ناموسی

34

40

کودک همسری، پایانی ویرانگر بر دوران کودکی

43

فقدان اراده برای تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان

44

حجاب اجباری - خشونت سیستماتیک علیه زنان ایران

ناتوانمندی‌های زنان در ایران

شیوع سوء تغذیه

46

48

بحران مسکن و تأثیرات آن بر زندگی زنان

49

50

وضعیت مشقت بار زندگی

50

زنان کارگر

52

پرستاران

54

زنان سرپرست خانوار

56

اقدامات زن ستیزانه رژیم ایران طی سال اخیر

58

آسیب‌های اجتماعی، پدیده‌های ناشی از گسترش فقر در ایران

پیش‌گفتار

آنها حتی کودکان خود را نیز به تحصن‌های ۲۴ ساعته خیابانی می‌بردند. مادرانی که فرزندانشان در جریان قیام به دست نیروهای امنیتی کشته شده بودند، همواره سکوت را در هم می‌شکستند و بدون هیچ باکی از دستگیری و زندان و شکنجه، با صدای بلند دادخواه عزیزانشان بودند. در نقطه مقابل تبعیض نهادینه شده که آنها را از مشارکت و تصمیم‌گیری سیاسی محروم می‌کند، زنان ایران تقریباً در هر تظاهرات، اعتراض و اعتصابی پیش‌تاز بودند تا در تصمیم‌گیری برای سرنوشت میهن‌شان شرکت داشته باشند. آنها با تشکیل کانون‌های شورشی جلودار اعتراضات بودند. آنها در شکستن زنجیرهای اختناق نقش کلیدی داشتند.

هر زمان که زنان دلاور ایران با دستگیری و زندان مواجه شدند، با اشتیاق بهای آزادی را پرداختند. آنها از رسالت دمیدن امید و تشویق مخالفت فعال با رژیم حتی از پشت میله‌های زندان دست برنمی‌دارند.

زنان ایران در طی طریق آزادی بر روی حمایت خواهران خود در سراسر جهان حساب می‌کنند. گزارش حاضر تلاشی است برای ارائه کردن وجوه مختلف زندگی و مبارزه زنان ایران از مارس ۲۰۲۱.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران
مارس ۲۰۲۲

طی روزهای اخیر، بریدن سر یک قربانی کودک همسری به نام مونا حیدری جهان را در بهت و حیرت فرو برد. قتل سنگدلانه این مادر ۱۷ ساله به دست شوهرش نقطه اوج موج بی‌وقفه قتل‌های ناموسی و زن‌کشی طی چند سال اخیر در ایران بود.

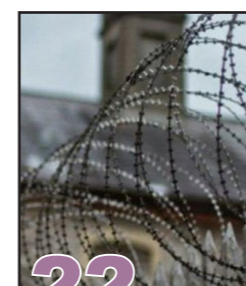
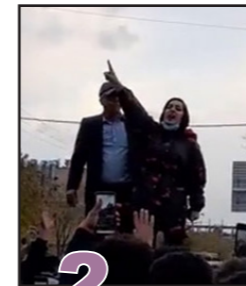
اما این حادثه دردناک نتوانست هیچ فوریتی وارد مجلس ملایان کند تا لایحه منع خشونت علیه زنان را که مدتهاست تصویب آن به تعویق افتاده، به تصویب برسانند. جای تعجب نیست که ولی فقیه ملایان و هیچ‌یک از مقامات رژیم این قتل ظالمانه را حتی در حد یک کلمه محکوم نکردند. چرا که ریشه این جنایات غیرانسانی و زن ستیزانه در درون رژیم آخوندی است که این وحشیگری را طی سالیان نهادینه و ترویج کرده است.

در سال گذشته همچنین شاهد افزایش اعدام زنان در دوران ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی بودیم. اعدام هفت زن تنها ظرف یک ماه رکورد جدیدی در کارنامه این جلاد قتل عام ۶۷ به شمار می‌رود.

رژیم ایران همچنین هیچ اقدامی برای توانمندسازی زنان به عمل نیاورد. به جای آن لوایحی به تصویب رساند و اقداماتی کرد که در خدمت سیاست به حاشیه راندن زنان و حذف محدود حقوق باقیمانده آنها بود.

اما یک وجه روشن هم در مقابل این حقایق تلخ وجود دارد. زنان شجاع، مقاومت و شورشی ایران که به زندگی فلاکت بار تحت حاکمیت فاشیسم دینی تن نداده‌اند.

رو در روی ملایان که می‌خواهند زنان در کنج خانه منزوی و سر آنها را به پرورش کودکان گرم کنند، زنان ایران در هر فرصتی به خیابان‌ها آمدند و علیه ظلم و ستم رژیم آخوندی فریاد برآوردند.





زنان نیروی تغییر

تهدید موجودیت رژیم ایران

نگاهی به نقش زنان در اعتراضات ضدحکومتی

طی سال گذشته ایران شاهد روند فزاینده اعتراضات و قیام‌های سراسری مردم ناراضی بوده است. فواصل زمانی از یک اعتراض به اعتراض بعدی هرچه کوتاه‌تر می‌شوند و زنان ایران تأثیر هرچه بیشتری بر این اعتراضات دارند.

- صورتجلسه محرمانه جلسه «کارگروه پیشگیری از بحران‌های امنیتی معیشت پایه» روز ۱۳ بهمن ماه فاش ساخت که تعداد «تجمعات در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، ۴۸ درصد افزایش یافته و تعداد تجمع کنندگان نیز ۹۸ درصد رشد داشته است».
- یکی از مقامات در این جلسه گفت: «وضعیت

ها گفت: «هیچ کاری مهم‌تر از پرداختن به موضوع زنان و خانواده در جامعه اسلامی نیست. در جایگاهی که هستید، مجموعه استانداردی باید در خدمت شما باشد و شما باید جهت کار را نشان دهید... ترکیبی از کار سخت و نرم، اجبار و اختیار، و الزام و تمایل باید کنار هم باشند.»

جامعه در حالت انفجار زیرپوستی قرار دارد». زنان در تقریباً تمامی اعتراضات شرکت داشتند. آنها یا در صفوف مقدم اعتراضات دیده می‌شدند و یا فریادهای رسای آنها بر صدای مردم خشمگین غالب بود.

- زنان در همه جا و در بیش از ۶۰۰ اعتصاب و تظاهرات سراسری معلمان و بازنشستگان، در دهها اعتراض پرستاران و پزشکان، و در تحصن و اعتصاب کشاورزان حاضر بودند.

و البته مادران شهیدان آبان ۹۸ و سایر قیام‌ها در ایران به عنوان اصلی‌ترین شاکیان جنبش دادخواهی برای فرزندان قتل عام شده‌شان، هیچ فرصتی را برای ابراز حمایت و پیوستن به اعتراضات از دست ندادند. آنها رو در روی نیروهای امنیتی ایستادند و دستگیر و بازداشت شدند. اما از مطالبات معیشتی، آزادی زندانیان سیاسی و حقوق برابر دست برنداشتند.

- وزیر کشور رژیم احمد وحیدی در رابطه با نقش زنان شجاع و فداکار ایران هشدار داد. او در یک سخنرانی در تاریخ ۱۸ آذر ۱۴۰۰ اعلام کرد: «اگر انقلاب (بخوانید رژیم) بخواهد ضربه بخورد از ناحیه زنان است.» (سایت حکومتی انتخاب - ۱۸ آذر ۱۴۰۰)
- وی خطاب به مدیران کل امور زنان و خانواده استانداری

معلمان، تداوم فریاد ناراضایتی

زنان نیمی از معلمان ایران را تشکیل می دهند و بسیاری از آنها سرپرست خانوار هستند. آنها که از حداقل های یک زندگی شرافتمندانه محروم هستند، همواره فریاد ناراضایتی سر داده اند.

بیشتر شهرها شاهد حضور گسترده زنان بوده اند که اغلب شعارهای تظاهرات سراسری معلمان را هدایت می کردند. اعتراضات معلمان در شهریورماه بالا گرفت. آنها اعلام کردند که اگر به مطالبات حقوق و شرایط زندگی شرافتمندانه دست پیدا نکنند، در هیچ کلاسی تدریس نخواهند کرد.

معلمان کارنامه سبز که اکثریت آنها را زنان تشکیل می دهند از سراسر کشور در تهران گرد آمدند و ۲۰روز اعتراض و تحصن شبانه روزی در تهران در مقابل وزارت آموزش و پرورش برگزار کردند.

معلمان کارنامه سبز زنان و مردان جوانی هستند که در آزمون وزارت آموزش و پرورش قبول شدند تا استخدام رسمی بشوند اما تا کنون از سوی وزارتخانه استخدام نشده اند.

«معلم بیدار است از تبعیض بیزار است» فریاد هزاران معلمی بوده است که در دهها اعتراض سراسری هماهنگ شده و سازمانیافته در هر آخر هفته شرکت کرده اند.

حبس دهها معلم زن

«معلم زندانی آزاد باید گردد» یکی دیگر از شعارهای معلمان ایران بود چرا که دهها معلم از جمله زنان در پشت میله های زندان هستند.

ناهید فتحعلیان، زینب هم رنگ، زهرا محمدی و نصرت بهشتی از جمله معلمانی هستند که به خاطر فعالیت های صنفی زندانی شده اند. دو نفر اول در زندان اوین به کرونا مبتلا شدند.

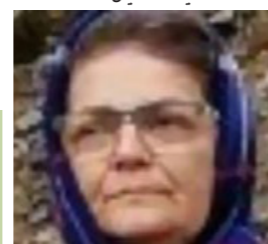


۹۹ درصد معلمان در زیر خط فقر

بنا به آخرین آمار، وزارت آموزش و پرورش با ۱ میلیون و ۱۳ هزار و ۶۵۵ معلم و کارمند بزرگترین وزارتخانه ایران می باشد. تنها معلمینی که در استخدام رسمی وزارت آموزش و پرورش هستند معلم دائمی محسوب می شوند. وزارت آموزش و پرورش اکثر معلمین را به طور رسمی استخدام نمی کند بلکه از طریق شرکت های خصوصی آنها را با قراردادهای غیررسمی و موقت به کار می گیرد. معلمان غیررسمی عناوین مختلفی دارند اما حقوق همه آنها بسیار پایین تر از حداقل حقوق تعیین شده از سوی وزارت کار می باشد. در عین حال، آنها هیچ مزایا، بیمه، اضافه کاری و ... برای ساعتهای طولانی کار سخت دریافت نمی کنند.

معلمانی که در استخدام رسمی هستند به طور متوسط ۴ میلیون تومان در ماه حقوق می گیرند. معلمانی که با قراردادهای موقت کار می کنند حقوقی بین یک تا دو میلیون تومان دریافت می کنند.

ناهید فتحعلیان



زینب هم رنگ



نصرت بهشتی



زهرا محمدی



۹۹ درصد معلمان در زیر خط فقر زندگی می کنند

فقر منجر به خودکشی می شود

اعتراضات معلمان سالهاست که ادامه دارد چرا که اکثریت آنها وضعیت معیشتی بسیار سختی دارند و حقوق شان یک چهارم یا یک سوم خط فقر است.

- در حالی که خط فقر در حال حاضر ۱۴ میلیون تومان است، یک معلم حتی ۵ میلیون تومان حقوق دریافت نمی کند تا بتواند اصلی ترین مایحتاج اولیه خانواده اش را تأمین کند. این سختی ها متأسفانه منجر به خودکشی تعدادی از معلمان در پاییز شد.
- در مرداد ۱۴۰۰ یک معلم در اصفهان به دلیل تنگنای اقتصادی خود را به آتش کشید.
- در ۲۵ شهریور ۱۴۰۰ یک معلم ریاضی در استان فارس خودکشی کرد زیرا قادر نبود برای دریافت یک وام ۵۰ میلیون تومانی، یک بیعانه ۵ میلیون تومان پرداخت کند.





لایحه رتبه بندی معلمان

مهمترین مطالبه معلمان در اعتراضات اخیر، اجرای لایحه رتبه بندی معلمان بود.

● براساس طرح رتبه بندی، حقوق و مزایای معلمان به ۵ درجه رتبه بندی می شود و به میزان ۸۰ درصد حقوق و مزایای اعضای هیات علمی دانشگاه ها با رتبه متناظر خواهد بود.

● طرح رتبه بندی معلمان اولین بار در ۱۳۹۳ به مجلس پیشنهاد شد که دولت را موظف می ساخت تا فروردین ۱۳۹۰ آن را به اجرا بگذارد. اما رژیم این کار را انجام نداد.

● بعد از ۱۰ سال سنگ اندازی، مجلس رژیم تنها در واکنش به خیزش سراسری و بزرگ معلمان در روزهای ۲۱ تا ۲۳ آذر ۱۴۰۰، در حدود ۲۰۰ شهر و ناحیه، این طرح را عجولانه به تصویب رساند.

● اما بودجه ۲۵ تریلیون تومانی که ابتدا برای یک دوره ۶ ماهه به این پروژه اختصاص داده شده بود را نصف کرد. اما دولت همین را هم پرداخت نکرده و وعده داده است که به صورت دیون برای سال آینده در حقوق معلمان قرار داده خواهد شد.

● بنابراین معلمان باید شاید سالها صبر کنند تا حقوق این ۶ ماه را دریافت کنند. حتی آن موقع هم افزایش تنها ۲۵ درصد (۱.۵ میلیون تومان) به حقوق معلمان، دردی از دردهای معلمین دوا نمی کند.

● سخنگوی شورای صنفی معلمان اعلام کرد «با توجه به خلف وعده دولت و مجلس در اجرای کامل طرح رتبه بندی معلمان، شورای صنفی معلمان اعلام می دارد که همچنان تجمعات ادامه خواهند داشت.» (سایت حکومتی عرش - ۷ دی ۱۴۰۰)

چرا رژیم به وعده های خود به معلمین عمل نمی کند؟

اقتصاد ایران ورشکسته است. رژیم ایران با کمبود بودجه روبروست و تا پایان سال هم تورم بالاتر خواهد رفت. در چنین شرایطی، رژیم قادر نیست بودجه ای به امور ارزشمند و حیاتی همچون آموزش، سلامت، منابع طبیعی، محیط زیست و غیره اختصاص بدهد. در حال حاضر اصلی ترین مانع برای اجرای طرح رتبه بندی معلمان کمبود بودجه و اعتبار کافی است.

در مقایسه، رژیم ملایان بخش اعظم بودجه را به تسلیحات هسته ای، دور زدن غیرقانونی تحریم ها، تأمین مالی گروههای تروریست خارجی، از جمله حزب الله لبنان و جنگ در سوریه اختصاص می دهد. اختلاس و دزدیهای کلان مقامات رژیم را هم به این موضوعات بیافزایید به این نتیجه خواهید رسید که رژیم آخوندی به طور واقعی هیچ قصدی برای اجرای طرح رتبه بندی معلمان ندارد.

حضور پر شور و گسترده زنان در اعتراضات ضد حکومتی در ایران برابر با مشارکت برابر آنها در رهبری سیاسی جامعه است. زنان ایران به درستی اثبات کرده اند که آنها نسل برابر هستند و شایان حمایت همه مدافعان حقوق زنان در مبارزه برای آزادی و برابری می باشند.



زنان به اعتراضات کشاورزان در اصفهان می پیوندند

این اعتراضات به رغم حمله و آتش زدن چادرهای کشاورزان بود. تصاویر منتشر شده حضور چشمگیر زنان را نشان می داد که نقش هدایت جمعیت را بر عهده داشتند و به کمک مردمی می شتافتند که از سوی ماموران امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و یا دستگیر می شدند. ماموران حکومتی با تفنگ ساچمه ای و گاز اشک آور به تظاهرکنندگان حمله کردند. در این میان حدود ۴۰ معترض کور شدند و حداقل ۱۰۰ تن از اعتراض کنندگان به دست نیروهای سرکوبگر مجروح شدند. بیش از ۳۰۰ معترض نیز دستگیر گردیدند.

تحصن اعتراضی کشاورزان که از روز ۱۷ آبان ۱۴۰۰ برای مطالبه حق آبه از زاینده رود شروع شده بود، در دوازدهمین روز خود شاهد حمایت گسترده مردم اصفهان بود.

سوء مدیریت رودخانه ها و آب منجر به نابودی کشاورزی و دامداری شده است. بسیاری از کشاورزان ناگزیر دامهای خود را فروخته اند.

یک هفته بعد در تاریخ ۵ آذر ۱۴۰۰ هزاران زن به مردان پیوستند تا در مقابل حمله نیروهای امنیتی به کشاورزان ایستادگی و آنها را دفع کنند. مردم و جوانان خشمگین فریاد می زدند «مرگ بر خامنه ای». صدای زنان بلند و رسا شد.



- همچنین مادران شهیدان قیام آبان ۹۸ ظهر جمعه ۸ مرداد ۱۴۰۰ با حضور در میدان آزادی تهران حمایت خود را از مردم خوزستان اعلام کردند. این مادران داغدار در حالی که عکسهای شهیدان قیام آبان ۹۸ را در دست داشتند در خیابان آزادی راهپیمایی کردند. وقتی مادران در متروی صادقیه تهران تجمع کردند، مأموران نیروی انتظامی آنها را دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار دادند.
- دختران و پسران جوان روز ۹ مرداد در پارک تئاتر شهر تهران تجمع کردند تا همبستگی خود را با خیزش خوزستان ابراز کنند. آنها شعار می دادند «از خوزستان تا تهران، اتحاد، اتحاد»، «مرگ بر دیکتاتور»، ... نیروهای امنیتی به شدت آنها را سرکوب کردند و برخی از معترضین را مورد ضرب و شتم قرار دادند. با این همه شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی در مقابل نیروهای سرکوبگر ایستادگی کرده و از هموطنانشان دفاع کردند.
- زندانیان سیاسی از جمله مریم اکبری منفرد و آتنا دائمی نیز با ارسال پیامهای همبستگی از درون زندان همبستگی خود را با مردم خوزستان اعلام کردند.



اعتراضات آب در خوزستان



زنان جوان معترض در ایستگاه متروی صادقیه



اعتراضات مردمی در تئاتر شهر تهران



مادران شهیدان قیام آبان ۹۸ در میدان آزادی در تهران

اعتراضات در خوزستان برای آب

در اعتراض به کمبود شدید آب، قطع مستمر آب و انتقال آن به سایر شهرها، در روز ۲۴ تیر ۱۴۰۰ یک خیزش در خوزستان رخ داد. رژیم آخوندی برای خاموش کردن فریاد مردم برای آب به روی تظاهرکنندگان آتش گشود. دهها جوان به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. گسترش سریع خیزش به سراسر استان و شهرهای مختلف کشور این واقعیت را آشکار ساخت که جامعه ایران دیگر آخوندها را نمی خواهد.

زنان در همه شهرهای به پاخاسته فعال بودند.

- زنان اهواز به رغم جو رعب و اختناق با شجاعت تمام شعار دادند «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر دیکتاتور».

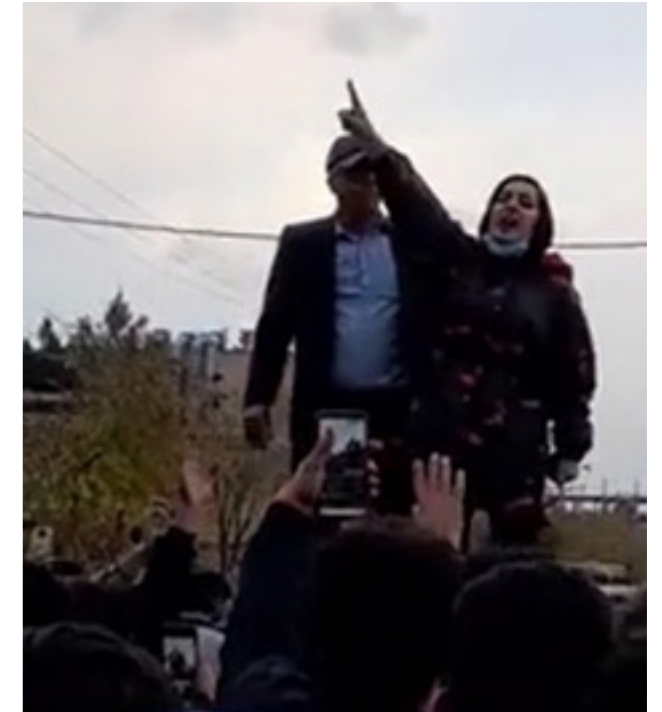
- در نقاط مختلف کرج و تهران زنان به پشت بام ها رفتند و شعار دادند «خوزستان تنها نیست»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای».

- روز ۲۹ تیر ۱۴۰۰ زنان جوان و شجاع در ایستگاه مترو صادقیه تهران شعار «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» سر دادند.

- روز ۳۱ تیر ۱۴۰۰ گروهی از زنان برازجان در اعتراض به کمبود آب دست به تظاهرات زدند.

- مردم تبریز روز ۲ مرداد ۱۴۰۰ به خیابانها رفتند و همبستگی خود را با مردم خوزستان نشان دادند. زنان در اعتراضات تبریز نقشی جلودار داشتند.

- پرستاران و کارکنان بیمارستان اصلی کرج و ساکنان منطقه فردیس کرج روز ۴ مرداد دست به تظاهرات زدند. آنها شعار می دادند، «مرگ بر دیکتاتور» و «از کرج تا خوزستان، اتحاد، اتحاد». زنان در هر دو اعتراض در کرج نقش فعال و چشمگیر برعهده داشتند.



یک زن در حال سخنرانی برای معترضین در شهر کورد

زنان در اعتراضات برای آب در شهر کرد

در شهر کرد، مرکز استان چهارمحال و بختیاری، نیز مردم در حمایت از کشاورزان اصفهان به پا خاستند. ظرف چهار روز اعتراض و تظاهرات از ۳۰ آبان تا ۳ آذرماه ۱۴۰۰ زنان نقش بسیاری فعالی ایفا کردند و خواستار ادامه اعتراضات بودند.

نیروهای امنیتی تلاش داشتند از گسترش اعتراضات جلوگیری کنند. مزدوران لباس شخصی با مردم درگیر شدند اما تظاهرکنندگان با شعارهای ضدحکومتی تا استناداری به راهپیمایی خود ادامه دادند.

تحریم انتخابات نمایشی ریاست جمهوری

در روستاها و مناطق مختلف نیز، زنان علیه کمبود آب، قطع برق و خراب کردن خانه ها دست به اعتراض زدند. خانواده های کشاورزان و کارگران به اعتراضات پیوستند. با شعارهای «ما دیگه رأی نمی دیم» معترضین به نامشروع بودن انتخابات قلابی رژیم گواهی دادند. ابراهیم رئیسی، جلاد قتل عام ۶۷، که انتخاب ولی فقیه رژیم است، سمبل این

در سراسر ماه مه، خیابان های اکثر شهرهای ایران شاهد اعتراضاتی با شعار نه به انتخابات آتی ریاست جمهوری رژیم بودند. زنان از همه اقشار از جمله معلمین، پرستاران، داروسازان، دانشجویان، بازنشستگان، مالباختگان، و خانواده های قربانیان هواپیمای او کرآینی که سال گذشته به دست سپاه پاسداران سرنگون شد دست به اعتراض زدند.

کانون های شورشی

فعالیت های کانون های شورشی در ایران برای مردم امیدبخش است. زنان شجاع و دلیر عضو کانون های شورشی شعله مقاومت و اعتراضات را در شهرهای سراسر ایران هر روز شعله ور نگاه می دارند. آنها با نصب پلاکاردهای بزرگ در جاده ها و بزرگراه ها و با شعارنویسی روی دیوارها به تحریم سراسری انتخابات نمایشی ریاست جمهوری رژیم فراخوان دادند. آنها در همه خیزش ها نیز حضور داشتند و توده مردم را هدایت می کردند. این اقدامات شجاعانه در همه شهرها نور امید را به قلب مردم ایران می تاباند و در دیوار ترس و اختناق شکاف ایجاد می کند.



مادران شهیدان قیام آبان ۹۸

تحریم انتخابات نمایشی ریاست جمهوری رژیم اعلام کردند «ما خواستار سرنگونی رژیم هستیم. رأی ما سرنگونی است.»

همچنین با برگزاری تجمعات اعتراضی مختلف و با در دست گرفتن تصاویر فرزندان دلبدشان دادخواه خون آنها بودند. در یکی از این مراسم، مادران شهیدان قیام آبان ۹۸ قسم خوردند که تا آخرین نفس دادخواه عدالت برای فرزندانمان باشند. آنها با اشاره به

مادران شهیدان قیام آبان ۹۸ جلودار اعتراضات زنان ایران بودند. آنها از هر فرصتی برای اعلام رأی قاطع خود یعنی سرنگونی رژیم فاسد و خونخوار ملایان استفاده می کردند. آنها دهها ویدئو، نامه و یادداشت در رسانه های اجتماعی منتشر کردند.

رأی ما سرنگونی است



افزایش اعدام ها زیر نظر ابراهیم رئیسی

رژیم ضدبشری آخوندی که در مواجهه با نارضایتی گسترده اجتماعی تنها راه حفظ حاکمیت خود را در شدت بخشیدن به اعدام و شکنجه و سرکوب یافته است. مقاومت ایران به کرات از شورای امنیت ملل متحد، دبیر کل، شورای حقوق بشر و کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد همچنین از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن خواسته است تا افزایش اعدامها در ایران را قویاً محکوم کنند و با اتخاذ اقدام فوری جان زندانیان زیر حکم اعدام را نجات دهند. با توجه به افزایش چشمگیر اعدامها، ضرورت این اقدام فوریت هرچه بیشتری یافته است.

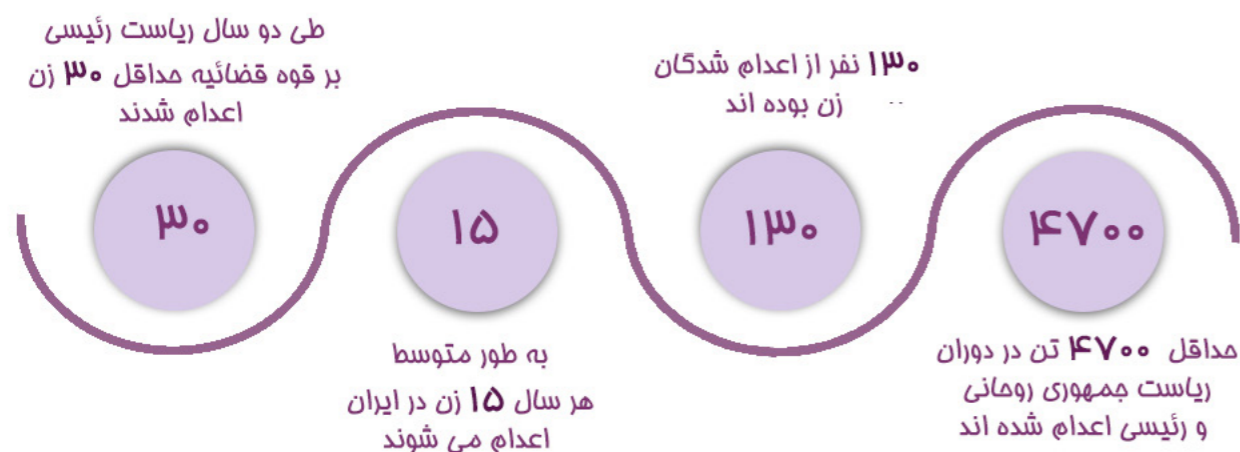
ایران رکورددار اعدام زنان و دارای بالاترین نرخ اعدام به نسبت جمعیت در جهان می باشد. اعدام ابزار حفظ موجودیت رژیم آخوندی است. رژیم آخوندی از مجازات اعدام به عنوان یک وسیله برای سرکوب و خاموش کردن مردم ناراضی استفاده می کند که اکثریت آنها زیر خط فقر زندگی می کنند، بیکار هستند و از آزادی بیان محرومند. رژیم ایران حداقل ۳۶۵ نفر را در سال ۲۰۲۱ اعدام کرد، در حالی که در سال ۲۰۲۰ آمار اعدام ۲۵۵ نفر بود. البته آمار واقعی افرادی که به دست رژیم اعدام می شوند بالاتر است زیرا رژیم آخوندی بسیاری را در خفا و دور از چشم مردم اعدام می کند. افزایش تعداد اعدام ها در ایران طی سال ۲۰۲۱ حاصل ریاست جمهوری رئیسی است که به خاطر نقشش در قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی ظرف فقط چند ماه در سال ۱۳۶۷ شهرت دارد.

افزایش تکانهنده اعدام زنان در ایران

رژیم آخوندی بر اجرای احکام اعدام در ایران از جمله احکام اعدام زنان افزوده است. حداقل ۱۸ زن طی سال ۲۰۲۱ در ایران اعدام شدند در مقایسه با سال ۲۰۲۰ که ۸ زن اعدام شدند. تعداد زنان اعدام شده از شهریور ۱۳۹۲ تا کنون به ۱۳۰ نفر بالغ می شود که به طور متوسط هر سال ۱۵ اعدام می باشد. رژیم آخوندی طی ماه آذر ۱۴۰۰ حداقل ۷ زن را اعدام کرد. اعدام ۷ زن طی تنها یک ماه از این نظر قابل توجه است که این تعداد نزدیک به نیمی از متوسط آمار سالانه اجرای احکام اعدام زنان در ایران می باشد.

اعدام زنان در ایران

رژیم ایران بالاترین رکورددار اعدام زنان در جهان



حکم اعدام

زنانی که حکم اعدام می گیرند چه کسانی هستند؟

قضائیه رژیم آخوندی معمولاً به زنانی حکم اعدام می دهد که مرتکب قتل شده باشند. زنان بسیاری در زندان قرچک و سایر زندان ها زیر حکم اعدام دوران حبس خود را سپری می کنند. محکومین زن معمولاً در دفاع از خود در مقابل خشونت خانگی که در ایران بسیار متداول است مرتکب قتل می شوند. به دلیل فقر گسترده در جامعه، بسیاری از خانواده های فقیر و کم درآمد دخترانشان را مجبور به ازدواج های زودهنگام می کنند. برخی از این زنان که از حق طلاق محروم هستند، مرتکب قتل شده و یا اقدام به خودکشی می کنند.

حداقل ۱۸ زن طی سال ۲۰۲۱ در ایران اعدام شدند در مقایسه با سال ۲۰۲۰ که هشت زن اعدام شدند.

تعداد زنان اعدام شده از شهریور ۱۳۹۲ تا کنون به ۱۳۰ نفر بالغ می شود که به طور متوسط هر سال ۱۵ اعدام می باشد.

سرنوشت اغلب زنان محکوم به اعدام در مراحل زیر رقم می خورد



رکورد جدید رئیسی:

اعدام ۷ زن طی فقط یک ماه به میزان نصف میانگین سالانه اعدام زنان در ایران است

زندانی سیاسی گلرخ ابراهیمی ایرایی در نامه ای از زندان نوشت:

«درصد بیشترشان به جهت عدم امکان طلاق از همسرانشان پس از سال ها تحمل زندگی مشترکی آشفته که با توهین، ضرب و شتم و بعضاً شکنجه توسط همسرانشان همراه بوده است، با نقشه قبلی و یا به صورت ناگهانی مرتکب قتل همسرانشان شده اند. آن ها با این که خود را جنایتکار می دانستند، معتقد بودند اگر در دفعات مکرر شکایتی که از همسران شان داشتند، قاضی پرونده رضایت به طلاق شان می داد هرگز دست به جنایت نزده بودند.»

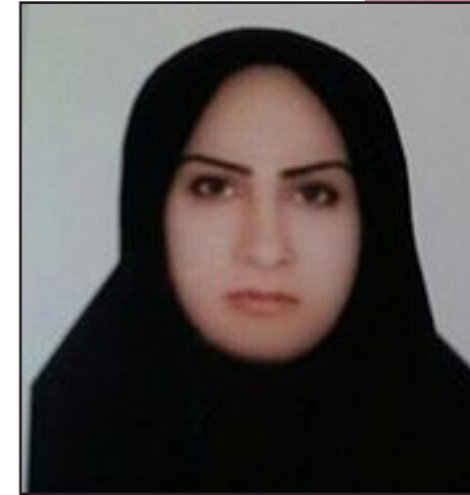
تعداد قابل توجهی از زنان زیر حکم اعدام قربانی ازدواج های اجباری زودهنگام و خشونت خانگی هستند، و در سن نوجوانی و زیر ۱۸ سال مرتکب قتل می شوند. محاکمه آنها غیرعادلانه است و به وکیل دسترسی ندارند.

اسامی زنان اعدام شده در ایران از آغاز سال میلادی ۲۰۲۱

۱	هویت اعلام نشده ۸ بهمن ۱۳۹۹ سنندج	۱۱	سوسن رضایی پور ۵ آبان ۱۴۰۰ قزوین - ۳۱ ساله
۲	هویت اعلام نشده - ۲۳ ساله ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ اردبیل	۱۲	هویت اعلام نشده ۲ آذر ۱۴۰۰ یاسوج
۳	زهرا اسماعیلی - ۴۲ ساله ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ کرج	۱۳	مریم خاکپور - ۴۱ ساله ۴ آذر ۱۴۰۰ اصفهان
۴	مریم (معصومه) کریمی ۲۳ اسفند ۱۳۹۹ رشت	۱۴	هویت اعلام نشده ۱۸ آذر ۱۴۰۰ کرمان
۵	نفسیه پاک مهر ۲۴ اسفند ۱۳۹۹ تایباد	۱۵	هویت اعلام نشده ۱۸ آذر ۱۴۰۰ کرمان
۶	کبری فاطمی - ۴۱ ساله ۲ خرداد ۱۴۰۰ یزد	۱۶	هویت اعلام نشده ۱۸ آذر ۱۴۰۰ کرمان
۷	شمسی پیراستوان ۹ خرداد ۱۴۰۰ قزوین	۱۷	معصومه زارعی - ۴۰ ساله ۲۳ آذر ۱۴۰۰ آمل
۸	هویت اعلام نشده ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ کرج	۱۸	فاطمه اصلانی ۲۸ آذر ۱۴۰۰ اصفهان
۹	هویت اعلام نشده ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ کرج	۱۹	خاتون حمیدی - ۲۳ ساله ۱۸ آذر ۱۴۰۰ قزوین
۱۰	هویت اعلام نشده ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ کرج		

زینب سکانوند

مستولان زندان مرکزی ارومیه زینب سکانوند را در سن ۲۴ سالگی در تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ اعدام کردند. او را مجبور کردند اعتراف کند در سال ۹۱ در سن ۱۷ سالگی مرتکب قتل شوهرش شده است. او قربانی خشونت خانگی بود و ادعاهای وی در جریان محاکمه به شکل مناسب و کافی مورد بررسی قرار نگرفت. او در سن ۱۵ سالگی مجبور به ازدواج شده بود و به مدت دو سال شوهرش او را هر روز کتک می زد. او به قاضی گفت که برادر شوهرش که چند بار به او تجاوز کرده بود، مرتکب قتل شده بود.



ریحانه جباری

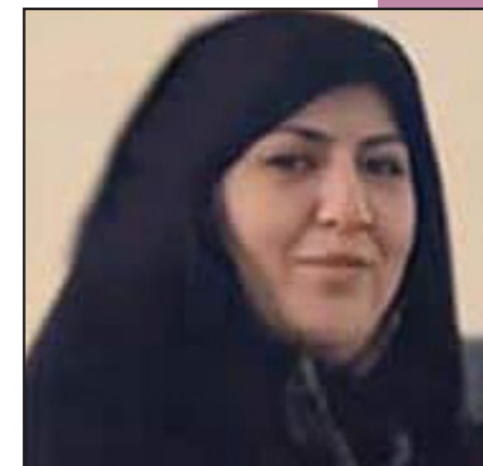
ریحانه یک دکوراتور داخلی ۱۹ ساله بود وقتی از سوی یکی از مشتریان خود که از مقامات ارشد وزارت اطلاعات بود مورد تعرض قرار گرفت. ریحانه او را در حین دفاع از خود به قتل رساند. اما دادگاه او را محکوم و بعد از ۷ سال شکنجه و زندان در تاریخ ۳ آبان ۱۳۹۳ اعدام کرد. وزارت اطلاعات و مسئولین زندان می خواستند ریحانه به ازای جانش، به دروغ اعترافاتی بکند که جرم مقام مسئول آنها را توجیه کند.



۳ پرونده سمبلیک

زهرا اسماعیلی

در یک پرونده مشابه، زهرا اسماعیلی ۴۲ ساله و مادر دو فرزند روز ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ به خاطر به عهده گرفتن مسئولیت قتل همسرش اعدام شد. او این کار را برای نجات جان دختر نوجوانش انجام داد که پدرش را از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار داده بود. شوهر زهرا یکی از مدیران کل وزارت اطلاعات رژیم بود. او در یک روال روتین با همسر و فرزندانش بد رفتاری کرده و آنها را کتک می زد. او زنان مختلفی را جلوی چشم خانواده اش به خانه می برد. او حتی همسرش را تهدید به قتل کرده و تلاش کرده بود دختر نوجوان خودش را مورد تعرض قرار دهد. به خاطر چنین رفتارهای بیرحمانه ای بود که دختر او به کمک برادرش پدر را به قتل رساندند.



شرایط زندانیان سیاسی و عقیدتی

دیکتاتوری مذهبی زن ستیز ملایان تهدید امنیت ملی خود را در زنانی می بیند که آزادانه فکر می کنند و از حقوق بشر دفاع می کنند. آنها تحمل آزادی اندیشه و بیان را ندارند به طور خاص وقتی که نوبت به زنان می رسد. آخوندها هر زنی را یک تهدید امنیت ملی محسوب می کنند.

بنابراین، نیروهای سرکوبگر رژیم مستمراً در پی پیدا کردن و دستگیری زنانی هستند که جرأت اعتراض علیه عملکرد و سیاست های ظالمانه رژیم را به خود می دهند. در اسارت هم، عوامل رژیم آنها را شکنجه می کنند تا علیه خود اعتراض کنند و از کرده ها و اعتقادات گذشته خود تبری جویند. و وقتی جلادان در تلاش درهم شکستن این زنان مصمم شکست می خورند، سعی می کنند آنها را از طرق و به انحاء مختلف از میان بردارند.

یکی از عام ترین شیوه های رژیم محروم کردن زندانیان از مراقبت های درمانی است چرا که آنها به دلیل شرایط وحشتناک زندان بسیار بیمار می شوند. عفو بین الملل در این رابطه می نویسد: «مقامات ایران با قساوت تمام تلاش می کنند با جان زندانیان عقیدتی و سایر زندانیان سیاسی بازی کنند وقتی آنها را از مراقبت های درمانی کافی محروم می کند. با این کار آنها را در خطر جدی مرگ، فلج دائمی، و صدمات بازگشت ناپذیر به سلامتی شان قرار می دهد. محروم کردن زندانیان سیاسی بیرحمانه و به غایت غیرقابل دفاع است. دسترسی زندانیان به مراقبت های پزشکی حقی است که در قوانین بین المللی و قوانین ایران تصریح شده است. محروم کردن زندانیان از مراقبت های پزشکی موجب درد و رنج شدید می گردد. این کار که به عمد و با اهدافی چون تنبیه، تهدید و یا برای اخذ اعترافات اجباری صورت می گیرد، معادل شکنجه است.» در دوران پاندمی، سازمان زندان ها هیچ اقدام مؤثری برای حفاظت از زندانیان و به طور خاص زندانیان سیاسی

در زندانهای متراکم انجام نداد. زندانیان مجبور بودند خودشان ماسک و دستکش و مواد ضدعفونی بخرند. یک عملکرد سیستماتیک دیگر رژیم آخوندی از میان برداشتن مخالفان با فرستادن آنها به میان مجرمان عادی است. این کار نقض اصل تفکیک جرائم می باشد. مقامات زندان مجرمان عادی و خطرناک را اجیر کرده و از آنها برای تهدید و آزار، ضرب و شتم و حتی کشتن زندانیان سیاسی استفاده می کند. آنچه ملاحظه می کنید مروری است کوتاه بر شرایط برخی از زنان زندانی سیاسی و زندانیان عقیدتی در ایران از مارس ۲۰۲۱ تاکنون.

زهره صفائی

زهره صفائی محبوس در زندان مخوف قرچک، بسیار بیمار است و تحمل شرایط زندان را ندارد. او از بهمن ۱۳۹۹ دچار درد شدید کلیه ها شد. وضعیت سلامتی او در خردادماه بدتر شد. او به مدت دو ماه بدون درمان از تنگی نفس و درد قفسه سینه رنج می برد. سرانجام در ۲ شهریور ۱۴۰۰ دچار حمله قلبی شد. اما کارکنان در مانگاه زندان به او مسکن دادند و او را به بند بازگرداندند.

روز ۵ شهریور، یک متخصص قلب و عروق تشخیص داد که او دچار حمله قلبی است و گفت او باید فوراً در بیمارستان بستری شود. با این حال، چهار روز طول کشید تا مسئولان در روز ۹ شهریور او را به بیمارستان بفرستند. در بیمارستان دست و پای او را به تخت زنجیر کردند و روز ۱۳ شهریور به زندان قرچک بازگرداندند.

مسئولان زندان قرچک به رغم عارضه قلبی وی، و به رغم دستور پزشک از ارائه خدمات درمانی به زهره صفائی خودداری می کنند. وقتی دندان درد شدیدی داشت به او اجازه ندادند به دندانپزشک مراجعه کند.

نیروهای امنیتی زهره صفائی و دخترش پرستو معینی را در پنجم اسفند ۱۳۹۸ در تهران دستگیر کردند. آنها به ترتیب به ۸ و ۶ سال حبس محکوم شدند. هر یک از آنها در آذرماه ۱۴۰۰ به دلیل فراخوان برای تحریم انتخابات ساختگی رژیم، ۱۵ ماه دیگر حبس گرفتند.

زهره صفائی ۵۸ ساله در ۶ آبان ۱۳۹۹ پس از آزار و اذیت و ارباب مسئولین زندان دوباره دچار سکته قلبی شد. زندانیان اجیر شده به وسیله مسئولان زندان قرچک بارها به خانم صفائی حمله کرده اند. جان او در خطر جدی قرار دارد، زیرا در نقض اصل تفکیک جرائم او در میان زندانیان محکوم به جرائم خشونت آمیز در حبس به سر می برد.

پرستو معینی

پرستو معینی ۲۱ ساله دانشجوی رشته کامپیوتر بود. وی در حال گذراندن دوران محکومیت ۶ ساله خود در زندان قرچک است. جنایتکاران خطرناک چندین بار به او حمله کرده اند تا او را به قتل برسانند.

پرستو، مادرش، فروغ تقی پور و مرضیه فارسی به دلیل نوشتن نامه و دعوت به تحریم انتخابات ریاست جمهوری دروغین رژیم، ۱۵ ماه حبس اضافه دریافت کردند. بازپرس پرستو معینی در جریان بازجویی در ۴ مرداد ۱۴۰۰ به او گفت: «ممکن است شرایط دوباره مثل سال ۱۳۶۷ شود! اگر شما را اعدام نکنیم، کاری می کنیم آرزوی اعدام بکنید.»

رژیم آخوندی در سال ۱۳۶۷ بیش از ۳۰۰۰۰ زندانی سیاسی را قتل عام کرد.



زهره صفائی و دخترش پرستو معینی



فروغ تقی پور (بالا) - مرضیه فارسی (پایین)



فروغ تقی پور

دادگاه انقلاب تهران در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۹، فروغ تقی پور را به اتهام حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) به ۵ سال حبس محکوم کرد.

خانم تقی پور که در زندان قرچک به سر می برد، به اومیکرون مبتلا شده و در اتاقی کثیف و بدون امکانات ضروری و بدون مراقبت های پزشکی نگهداری می شود. فروغ تقی پور تحت فشار فوق العاده ای بوده است. زندانیان اجیر شده به تحریک رئیس زندان قرچک چندین بار وی را مورد آزار و اذیت قرار داده و به او حمله کرده اند.

وی در آذرماه ۱۴۰۰ به دلیل فراخوان به تحریم انتخابات ریاست جمهوری دروغین، در خردادماه به ۱۵ ماه حبس افزوده محکوم شد.

فروغ تقی پور ۲۷ ساله، دارای مدرک کارشناسی در رشته حسابداری، در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۸ دستگیر شد.

مرضیه فارسی

مرضیه فارسی، زندانی سیاسی محبوس در زندان قرچک به دلیل شرایط بد زندان و سرما به بیماری روماتیسم مبتلا شده و از خدمات درمانی محروم می باشد. خانم فارسی سرطان دارد و با این شرایط در زندان به سر می برد.

مرضیه فارسی در اواسط آذرماه ۱۴۰۰ به علت فراخوان به تحریم انتخابات ریاست جمهوری قلابی در خردادماه ۱۴۰۰ به ۱۵ ماه حبس افزوده محکوم گردید.

مرضیه فارسی در بهار ۱۳۹۹ به دلیل حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) دستگیر شد.

مریم اکبری منفرد

مریم اکبری منفرد متولد ۱۳۵۴ دارای سه فرزند دختر می باشد. وی در ۱۰ دیماه ۱۳۸۸، دستگیر شد. وی سیزدهمین سال حبس خود را بدون حتی یک روز مرخصی سپری می کند.

خانم اکبری در ۱۹ اسفند ۱۳۹۹ با خشونت از زندان اوین به زندان سمنان تبعید شد. او تنها زندانی سیاسی در بند زنان زندان سمنان است. نگهداری وی در این زندان ناقض اصل تفکیک جرائم است.

هیچ مرجع قانونی مسئولیت تبعید مریم اکبری به زندان سمنان را نمی پذیرد.

زندان سمنان فاقد حداقل زیرساخت های بهداشتی است. زندانیان آبی برای حمام کردن ندارند و برای استحمام نوبت می گیرند.

با گذشت یک سال از انتقال خشونت آمیز مریم اکبری منفرد به زندان سمنان، او هنوز کارت تلفن ندارد و باید در حضور مامور زندان با خانواده اش تماس بگیرد. او به روزنامه و مطالب خواندنی نیز دسترسی ندارد.

خانم اکبری به بیماری کبد چرب مبتلا شده است اما نمی تواند غذای مورد نیاز خود را تهیه کرده و بپزد. حدود یک سال است که نان و پنیر می خورد. او همچنین از روماتیسم و اختلال در عملکرد تیروئید رنج می برد.

نجات انور حمیدی

نجات انور حمیدی ۶۶ساله در زندان سپیدار اهواز در شرف نابینا شدن است.

هر دو چشم او آب مروارید آورده اند. وی همچنین در ۴ آبان ۱۴۰۰ از هر دو چشم دچار خونریزی شد. اگرچه وی نیاز به عمل فوری دارد، اما به دستور وزارت اطلاعات از خدمات پزشکی و مرخصی استعلاجی محروم شده است.

دکتر زندان به او گفته است: «تا نابینا شوی نیازی به عمل نیست!»

نجات انور حمیدی از فروردین ماه ۱۳۹۸ برای گذراندن حکم ۱۵ساله خود به دلیل حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران اپوزیسیون زندانی شد. او از اختلال در عملکرد تیروئید، فشار خون بالا و چربی خون رنج می برد. او دو بار بدون دریافت مراقبت های پزشکی به کرونا مبتلا شد.



مریم اکبری منفرد



نجات انور حمیدی



مهین اکبری

مهین اکبری

مهین اکبری یکی از حامیان اپوزیسیون اصلی ایران، مجاهدین خلق ایران بود که در شهریور ۱۴۰۰ در رشت دستگیر و زندانی شد. دوران محکومیت وی در ۱۵مهر به پایان رسید، اما مقامات به دلیل امتناع وی از درخواست عفو از ولی فقیه آخوندها، حکم وی را برای یک سال دیگر تمدید کردند. او در ۲۶مهر ۱۴۰۰ دست به اعتصاب غذا زد و اعلام کرد که تا زمان آزادی به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد.

مهین اکبری، ۵۹ساله، در دهه ۶۰ زندانی سیاسی بود. وی در نیمه بهمن ماه ۱۳۹۷ در یورش ماموران اداره اطلاعات رشت به منزلش مجدداً دستگیر گردید. وی را زیر بازجویی بردند و مورد آزار جسمی و روحی قرار گرفت. در ادامه مهین اکبری به بند زنان زندان لاکان رشت منتقل شد.

۱۲ سال برای سه زندانی سیاسی

دادگاه انقلاب تهران سه زندانی سیاسی زن را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» از طریق همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران مجموعاً به ۱۲ سال حبس محکوم کرد.

مخصوص بخارایی ۶۳ساله و آذر موسی زاده ۵۹ساله هر کدام به پنج سال حبس محکوم شدند. رقیه سلطان میرزایی ۶۹ساله به دو سال حبس محکوم شد.

قوه قضائیه رژیم آخوندی باغ خانم میرزایی را نیز مصادره کرد. هر سه زن در دهه ۱۳۶۰ زندانی سیاسی بودند و سال های زیادی را در زندان گذرانده بودند.

شوهر خانم موسی زاده از جمله زندانیان سیاسی مجاهدین خلق ایران بود که در سال ۱۳۶۷ قتل عام شدند. آذر موسی زاده و مخصوص بخارایی نیز بعد از سال ۱۳۸۸ دستگیر و چند سال در زندان بودند.

سمیه قریشی

سمیه قریشی در آذرماه ۱۳۹۸ به دلیل حمایت از سازمان اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شد. او یک سال است که در بند زنان زندان مرکزی ارومیه محبوس است. او در مدت بازداشت طلاق گرفت.

سمیه قریشی یک فرزند بیمار دارد اما مسئولان زندان از اعطای آزادی و مرخصی استعلاجی او خودداری کرده اند. او در اردیبهشت ۱۴۰۰ دچار عارضه وخیم قلبی شد و مسئولان زندان ارومیه نه او را در بیمارستان بستری کردند و نه به او مرخصی درمانی دادند.



یاسمن آریانی و منیره عربشاهی

منیره عربشاهی

منیره عربشاهی و دخترش یاسمن آریانی به دلیل مخالفت با حجاب اجباری در زندان به سر می‌برند. در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۹۹، مسئولین زندان اوین منیره عربشاهی و یاسمن آریانی را به زندان کجویی کرج تبعید کردند.

منیره عربشاهی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰ با قرار وثیقه سنگین ۵۰۰ میلیون تومانی مرخصی استعلاجی گرفت. وی در تاریخ اول مرداد ۱۴۰۰ پس از انجام عمل غده تیروئید به زندان کجویی بازگشت. سپس سلامتی او در زندان رو به وخامت گذاشت.

روز ۹ مرداد او را به بیمارستان فرستادند اما پس از یک روز بدون درمان پزشکی به زندان بازگردانده شد. در روز ۱۳ مرداد، او را تا مهرماه به مرخصی استعلاجی فرستادند، تا اینکه مجدداً بدون تکمیل درمان به زندان فراخوانده شد. تلاش برای گرفتن مرخصی برای یاسمن آریانی جهت رسیدگی به مادر بیمارش راه به جایی نبرد.



صبا کرد افشاری و راحله احمدی

یاسمن آریانی

روز ۴ اسفند ۱۴۰۰ چند زندانی عادی، زندانی سیاسی یاسمن آریانی را که در صدد صحبت با رئیس بند و حق خواهی بود، مورد ضرب و شتم قرار دادند. یاسمن آریانی، ۲۵ ساله، برای دومین بار در روز ۲۱ فروردین ۱۳۹۸ بازداشت شد. او و مادرش، منیره عربشاهی، که روز بعد از دخترش دستگیر شد، به زندان قرچک منتقل شدند.

سپس در ۲۲ مرداد ۱۳۹۸، دادگاه انقلاب آنها را به اتهام «تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «ترویج فساد و فحشاء» به ۱۶ سال زندان محکوم نمود.

صبا کرد افشاری

صبا کرد افشاری محبوس در زندان قرچک به شدت بیمار است و از زخم معده و خونریزی رنج می‌برد و نیاز به درمان منظم دارد.

او در نیمه بهمن ۱۴۰۰ به مدت سه ماه از مرخصی محروم شد زیرا به نبود آب جوش برای استفاده زندانیان اعتراض کرده بود.

در ۱۴ دی ۱۴۰۰، نگهبانان در سالن ملاقات قبل از اینکه صحبت او با پدرش تمام شود، تلفن را قطع کردند. به تلافی اعتراض او، مسئولین زندان او را از ۲۵ دی ماه به مدت دو هفته از ملاقات ممنوع کردند. او پیش از این از تماس های درون زندان و ملاقات با مادرش راحله احمدی اصل محروم شده بود. صبا از ۱۸ تا ۲۸ اردیبهشت دست به اعتصاب غذا و دارو زد تا مادرش را از زندان آزاد کنند.

صبا کرد افشاری ۲۳ ساله از مخالفان صریح حجاب اجباری است. او در ۱۱ خرداد ۱۳۹۸ مجدداً دستگیر و در زندان اوین بازداشت شد. او در ۲۸ مرداد ۱۳۹۸ به ۲۴ سال زندان محکوم شد.

وی در ۱۸ آذر ۱۳۹۹ در چارچوب طرحی برای متفرق کردن زندانیان سیاسی از بند زنان زندان اوین به زندان قرچک تبعید شد.

در ۲۲ آذر، او در یورش نگهبانان به بند ۸ زندان قرچک که محل حبس ده ها زندانی سیاسی می باشد، به شدت آسیب دیده و دچار کبودی شد. در ۷ بهمن ۱۳۹۹، او با خشونت از بند ۸ به بند ۶ منتقل و در آنجا به کرونا مبتلا شد. جنایتکاران خطرناکی که توسط مقامات زندان تحریک می شوند دائماً او را به قتل تهدید می کنند.

اخیراً، در اول اسفند ۱۴۰۰، یک زندانی عادی سعی کرد او را خفه کند. در حالی که سایر زندانیان به نجات صبا کمک کردند، نگهبانان زندان و مقامات فقط نظاره گر و ایستاده بودند.

راحله احمدی

راحله احمدی مادر صبا کرد افشاری است. مقامات قضایی برای تحت فشار قرار دادن دخترش برای همکاری با وزارت اطلاعات، او را دستگیر و به ۳۱ ماه زندان محکوم کردند.

خانم راحله احمدی در زندان اوین حبس گردید. هنگامی که صبا با خشونت از زندان اوین منتقل و به زندان قرچک تبعید شد، متحمل شوک عصبی شدیدی شد و از ناحیه ستون فقرات آسیب دید و کنترل پای چپ خود را از دست داد. او همچنین از شرکت در مراسم خاکسپاری مادرش محروم شد. پس از بیش از یک سال رنج و محرومیت از مراقبت های پزشکی مکفی و داروهایش، سرانجام در ۲۷ بهمن ۱۴۰۰ مرخصی گرفت.

آتنا دائمی

زندانی سیاسی آتنا دائمی در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۹ در آستانه سال نو، به طور ناگهانی از زندان اوین تهران به زندان لاکان رشت تبعید شد. آتنا از قبل در جریان قرار نگرفته بود و اجازه پیدا نکرد حتی وسایلش را جمع کند یا با خانواده اش تماس بگیرد. نگهبانان زندان به دست و پای او دستبند زده و او را از بند زنان زندان اوین منتقل کردند. خانم دائمی ۲۳ روز بیشتر از حد معمول در قرنطینه زندان لاکان نگهداری شد. آتنا دائمی در زندان لاکان در میان زندانیان عادی به سر می برد که نقض اصل تفکیک جرائم می باشد. در عین حال وی با ارسال پیام‌هایی خواستار تحریم انتخابات ریاست جمهوری آیندها و حمایت از قیام خوزستان شد. وی در ۳۰ مرداد دست به اعتصاب غذا زد. عدم نگهداری و قطع مکرر خطوط تلفن در زندان لاکان، او و سایر زندانیان را از تماس با خانواده محروم کرده است. وقتی خطوط تلفن تعمیر شدند، او به اعتصاب غذای خود پایان داد. وی سپس با ارسال پیامی به بیرون از زندان شرایط وحشتناک زندان لاکان را افشا کرد. پس از این، کمیته انضباطی به او اعلام کرد که تنها با حضور مامور زندان می تواند با خانه تماس بگیرد که او پذیرفت. مقامات همچنین سایر زندانیان را از صحبت یا تماس با آتنا دائمی منع کردند. آتنا دائمی ۳۲ ساله در ۱۴ تیرماه ۱۳۹۹ حکم ۵ سال حبس خود را به پایان رساند اما به دلیل پرونده های جدیدی که سپاه و وزارت اطلاعات علیه وی تشکیل داده بودند، از زندان آزاد نشد. دو دادگاه مجموعاً او را به پنج سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند. آتنا دائمی روز ۴ بهمن ۱۴۰۰ به طور ناگهانی از زندان آزاد شد.

گلرخ ایرایی

زندانی سیاسی گلرخ ایرایی در ۲۳ آذر ۱۳۹۹ پس از یورش ۲۰ نفر از گارد زندان قرچک به بند ۸ با خشونت از این زندان خارج و به بند ۲ الف اطلاعات سپاه در زندان اوین تهران فرستاده شد. او در ۵ بهمن ۱۳۹۹ به قرچک بازگردانده شد و مقامات به او گفتند که نمی تواند با خانواده اش تماس بگیرد. همان شب او را به زندان آمل در استان مازندران تبعید کردند. گلرخ ایرایی تیرماه در پیامی از زندان آمل گفت که زنان محبوس در زندان آمل از حداقل حقوق خود محروم هستند. او اعلام کرد که از استفاده از تلفن یا رفتن به ملاقات که هر بار با توهین گارد زندان همراه است، خودداری خواهد کرد. گلرخ ابراهیمی ایرایی از سال ۱۳۹۵ به مدت سه سال زندانی بود. او به دلیل نوشتن یک کتاب منتشر نشده علیه مجازات بیرحمانه سنگسار دستگیر شد. طی این مدت، او را با خشونت به زندان قرچک منتقل کردند. او بعد از یک اعتصاب غذای ۸۱ روزه به اوین بازگردانده شد. وی در فروردین ۱۳۹۸ آزاد ولی مجدداً در ۱۸ آبان ۹۸ دستگیر و به زندان قرچک برده شد تا دوره حبس ۲۵ ماهه خود را سپری کند.



زینب جلالیان



آتنا دائمی



گلرخ ابراهیمی ایرایی

زینب جلالیان

زندانی سیاسی کرد زینب جلالیان از ۱۸ آبان ۱۳۹۹ که برای چهارمین بار طی شش ماه به طور ناگهانی از کرمانشاه به زندان یزد منتقل شد، بدون هر گونه تماس و ارتباط با خارج از زندان در حبس به سر می برد. او از بیماری های مختلفی از جمله آسم، ناخنک، برفک دهان و عوارض گوارشی رنج می برد. تست کرونای وی در بهار ۱۳۹۹ در زندان قرچک مثبت شد. زینب جلالیان ۳۸ ساله در سال ۱۳۸۸ به دلیل عضویت در یک گروه مخالف به اعدام محکوم شد. این حکم در سال ۱۳۹۰ به حبس ابد تخفیف پیدا کرد. خانم جلالیان از سال ۱۳۸۶ بدون هیچ مرخصی در زندان به سر می برد. وزارت اطلاعات به عنوان شیوه ای متداول برای شکنجه، او را از معالجه پزشکی محروم کرده است. او در حال حاضر تحت فشارهای روانی مختلف قرار دارد و از حقوق خود به عنوان یک زندانی محروم شده است تا ابراز ندامت کرده و با وزارت اطلاعات همکاری کند.

ناهید فتحعلیان

تست کروناي معلم بازنشسته ناهید فتحعلیان در خردادماه مثبت شد. مسئولین زندان اوین تست دیگر زندانیان را انجام ندادند و او را از سایر زندانیان جدا نکردند. او از فروردین ۱۳۹۹ در بند زنان زندان اوین در بلا تکلیفی قانونی به سر می برد. ناهید فتحعلیان به اتهام شرکت در تظاهرات سراسری آبان ماه سال ۱۳۹۸ و توزیع تراکت در اعتراض به وضعیت معیشتی معلمان و بازنشستگان با اتهامات «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «تخریب اموال عمومی» روبرو است.

نصرت بهشتی

مأموران امنیتی نصرت بهشتی را در ۱۳ مرداد ۱۴۰۰ دستگیر و در زندان مرکزی مشهد (ملقب به وکیل آباد) محبوس گردید. دادگاه انقلاب مشهد او را به پنج سال زندان محکوم کرد. نصرت بهشتی در اعتراض به بازداشت موقت و اتهامات غیرقابل قبولی که به وی وارد شده بود، از ۲ تا ۸ آبان ۱۴۰۰ دست به اعتصاب غذا زد. نصرت بهشتی یکی از ۱۴ امضاکننده نامه ای است که خواستار استعفای ولی فقیه رژیم آخوندی، علی خامنه ای شده است. نصرت بهشتی معلم بازنشسته و مادر شش فرزند است. مأموران امنیتی او را به دلیل شرکت در تظاهرات معلمان و درخواست برای همسان سازی حقوق معلمان دستگیر کردند. وی با قرار وثیقه یک میلیارد تومانی تا رسیدگی نهایی به پرونده آزاد شد.

سکینه پروانه

زندانی سیاسی کرد سکینه پروانه ۳۰ساله در زندان مرکزی مشهد محبوس است در حالی که از درمان مورد نیاز خویش محروم می باشد. وی در اواخر اردیبهشت ۱۴۰۰ در اعتراض به محرومیت از درمان در زندان و کیل آباد مشهد دست به اعتصاب غذا زد. سکینه به دلیل افت فشار خون به درمانگاه زندان منتقل شد. پزشکان گفتند که او باید فوراً به بیمارستان منتقل شود، اما مسئولین زندان از این کار جلوگیری کردند.

سعدا خدیرزاده

سعدا خدیرزاده اهل پیرانشهر متأهل و دارای دو فرزند و یک ماهه باردار بود که در ۲۲مهر ۱۴۰۰ دستگیر شد. با وجود اینکه قرار بازداشت وی به آزادی موقت با قرار وثیقه تغییر یافته بود، مسئولین زندان مرکزی ارومیه از آزاد کردن خانم خدیرزاده خودداری کردند. سعدا خدیرزاده ۳۲ ساله در وضعیت جسمانی وخیم به سر می برد. او از فشار خون بالا، مشکلات کلیوی، دیسک کمر، مشکلات قلبی و عصبی رنج می برد و باردار است. او به دلیل آپاندیس تحت عمل جراحی قرار گرفت اما بدون طی دوران نقاهت به زندان بازگردانده شد. این بیماری ها تحمل شرایط زندان را برای خانم خدیرزاده بسیار دشوار کرده است. دادستان، بازرس و مسئولان زندان مرکزی ارومیه درخواست آزادی مشروط وی را حتی با قرار وثیقه و با وجود گواهی پزشکی رد کرده اند. او در تمام مدت بازداشت از ملاقات با خانواده یا دسترسی به وکیل محروم بوده است.

خدیجه مهدی پور

خدیجه مهدی پور ۳۴ ساله و ساکن ایوان غرب در ۱۸ مهرماه ۱۴۰۰ بازداشت شد و مأموران اطلاعات وی را به بند زنان زندان مرکزی ایلام منتقل کردند. حبس وی در این زندان ناقض اصل تفکیک جرائم می باشد. خانم مهدی پور به ۲۰ ماه زندان محکوم شده است. به تحریک مسئولین زندان ایلام، سه زندانی متهم به جرائم خشن، زندانی سیاسی خدیجه مهدی پور را در ۲۱ بهمن ۱۴۰۰ مورد ضرب و شتم قرار داده و مجروح کردند. خدیجه مهدی پور علیرغم سردردهای مکرر و لکه سیاه در چشم از درمان محروم می باشد. خانم مهدی پور به خانواده اش گفته است که کلیه هایش به دلیل دو هفته حبس در قرنطینه که دیوارها و کف آن نمناک بوده، عفونت کرده است. نیروهای اطلاعاتی ابتدا قصد داشتند خانم مهدی پور را برای انجام معاینات اعصاب و روان به پزشکی قانونی ببرند. آنها قصد داشتند نشان دهند که او بیمار روانی است. اما او قاطعانه مقاومت کرد. همچنین بارها از او خواستند که توبه نامه بنویسد که وی نپذیرفته است.

گلاره مرادی

گلاره مرادی یک زندانی سیاسی است که از اواخر فروردین ۱۴۰۰ در وضعیت بلا تکلیف در زندان مرکزی ارومیه در حبس به سر می برد. این زن کرد از دسترسی به وکیل یا مشاوره حقوقی محروم است. خانم مرادی چندین بار به منظور اخذ اعترافات دروغین به بازداشتگاههای سرویس های اطلاعات منتقل و تحت شکنجه قرار گرفته است. آنها او را به همکاری با احزاب کرد و مشارکت در قتل یکی از اعضای سپاه متهم می کنند. آنها او را تهدید کرده بودند که اگر با اداره اطلاعات همکاری نکند، دو پسرش را در مقابل چشمانش شکنجه خواهند کرد.



ناهید فتحعلیان



نصرت بهشتی



سکینه پروانه



سعدا خدیرزاده



خدیجه مهدی پور



گلاره مرادی



سونیا دهقان

ریحانه عامری

گلاره شیخی

آرزو الفتی گلدهسته

فاطمه صامتی

لیلا شکبیا

فائزه ملکی نیا

سحر مرادی

میینا سوری

هما حاجی پور

یک دختر جوان در آبادان

نگار احمدی

مونا حیدری

خشونت علیه زنان

قوانین زن ستیزانه و نظم پدرسالارانه مجوز زن کشی و قتل های ناموسی

به طور میانگین هر سال بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد قتل ناموسی در ایران به ثبت می رسد



رومینا اشرفی ۱۴ ساله - در اول خرداد ۱۳۹۹ بوسیله داست پدرش به قتل رسید

قتل فجیع مونا حیدری در اواخر بهمن ماه دنیا را تکان داد. سر این مادر ۱۷ ساله به وسیله شوهرش بریده شد. وی سپس در حالی که سر او را در یک دست و چاقو را در دست دیگر گرفته بود در خیابان ها رژه رفت. این قتل بیرحمانه نقطه اوج افزایش شدید خشونت علیه زنان در ایران در سالهای اخیر می باشد. به طور میانگین هر سال بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد قتل ناموسی در ایران به ثبت می رسد. دست کم روزانه ۸ زن قربانی قتل های ناموسی می شوند. تحقیقات دو ساله به وسیله یک سازمان غیردولتی در اهواز نشان می دهد طی مدت ۲ سال، ۶۰ زن از جمله دختر بچه های ۱۱ و ۱۵ ساله در خوزستان به قتل رسیده اند. بنابر این تحقیق، تاکنون یک نفر از قاتلان مجازات نشده و حتی خانواده ها از قاتلان شکایتی نکرده اند. قتل های ناموسی ۲۰ درصد کل قتل ها و ۵۰ درصد قتل های خانوادگی را به خود اختصاص داده است. هرچند که قتل ناموسی تنها شیوه کشتن زنان در ایران نیست. در ایران هفته ای نیست که بدون خبرساز شدن قتل زنان سپری شود.

بخشی از آمار و ارقام مربوط به خشونت خانگی

چند نمونه وحشتناک در سال گذشته

- خشونت خانگی در دوران پاندمی کرونا در ایران افزایش ۲۵ درصدی داشته است. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۲۷ شهریور ۱۴۰۰)
- براساس تحقیقاتی که در ۵ کلانشهر ایران انجام شد، ۷۷.۲ درصد زنان ایرانی خشونت را در دوران پاندمی تجربه کرده اند. (سایت حکومتی فرارو - ۱۷ آذر ۱۴۰۰)
- مرکز آمار ایران اعلام کرد از مجموع ۸۰ هزار و ۱۸۷ مورد معاینه پزشکی قانونی در ارتباط با «همسرآزاری جسمی» در طول سال ۱۳۹۹، بالغ بر ۹۶ درصد معاینه ها به شکایت زنان از همسرآزاری جسمی اختصاص داشته است. همچنین در مجموع ۵۸۵ هزار و ۳۷۴ مورد معاینه مربوط به نزاع جسمانی طی سال ۹۹ در پزشکی قانونی انجام شده است که ۱۳.۶ درصد از این معاینات مربوط به همسرآزاری است. (خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۲ شهریور ۱۴۰۰)

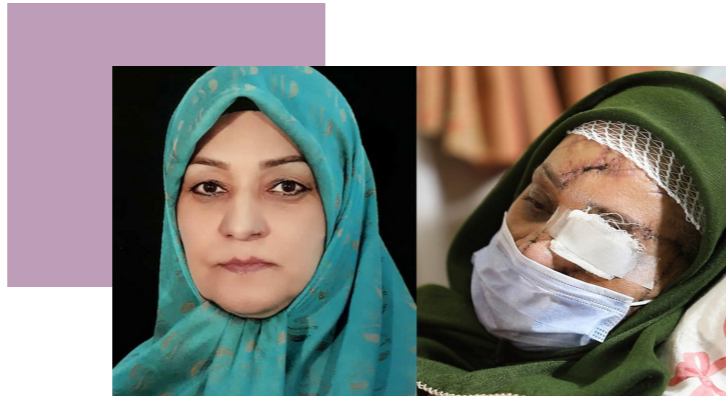
- زنان وقتی از سوی شوهر خود مورد تهدید جانی قرار می گیرند جای امنی برای پناه بردن ندارند. در هیچ شهری مرکزی نیست که به زنان در این مورد مشاوره دهد یا کمک کند. (خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۳۱ خرداد ۱۴۰۰)

● پرستو نوردی ۳۶ ساله ساکن آبادان - شوهر او که به شیشه معتاد است طی سه سال او را تحت شکنجه های فجیع جسمانی و روانی قرار داد. پرستو از خانه گریخت و به خانه والدینش پناه برد. بعد از رسیدگی های اولیه، او با انتشار یک کلیپ بخشی از شکنجه های خود را توضیح داد. (سایت بالاترین - ۲۰ مهر ۱۴۰۰) «شوهرم هر دو چشمانم را نابینا کرد، بدنم را بارها با آب جوش سوزاند، چند بار به دارم آویخت و استخوانهای دستم را شکاند. او من را با چاقو بریده و جای چاقو روی بسیاری از نقاط بدنم دیده می شود. گوش های من آسیب جدی دیده است.»

● صبری یزدان پناه، ۲۷ ساله، قربانی کودک همسری - به دلیل درخواست طلاق شوهرش او را با ماشین زیر گرفت. وی از ناحیه سر، صورت، دست و پا دچار شکستگی شد و یک ماه در بیمارستان بستری بود. ثویبه فکری اهل بانه - توسط پدر شوهر و شوهرش مورد شکنجه شدید فیزیکی قرار گرفت. همسرش پس از ضرب و شتم، با سلاح پر به او شلیک کرد که از ناحیه دست به شدت مجروح شد.

● یک مرد جوان زنش را در پارکینگ خانه با بنزین به آتش کشید. این زن با ۴۰ درصد سوختگی به بیمارستان منتقل شد. (روزنامه مردم سالاری - ۱۵ آذر ۱۴۰۰)

در یک واقعه دیگر در تهران یک مرد روی همسر و پسر ۱۲ ساله اش اسید پاشید. (روزنامه حکومتی ایران - ۲ آذر ۱۴۰۰)



اشرف سادات حسینی



پرستو نوردی

● اشرف سادات حسینی طی سال ۱۳۹۹ یکی از سوژه های وحشتناک خشونت خانگی بود. او چشمش را از دست داد و دستش قطع شد. وی در مصاحبه ای در مورد بی قانونی و عدم حمایت از زنان خشونت دیده در ایران گفت: «چرا قانون از ما حمایت نمی کند؟ صدها زن مثل من هستند. چرا با مردانی که چنین خشونت نسبت به خانواده خود دارند، برخوردی نمی شود؟ هر بار که من شکایت کردم، به من گفتند شوهرت است، ما نمی توانیم دخالت کنیم. چرا قانون هیچ پناهی برای زنانی مثل من نیست؟ تا کی این وضعیت باید ادامه داشته باشد؟ من برای احقاق حق خودم و دخترم و همه زنانی که در وضعیت من هستند، این پرونده را دنبال خواهم کرد.» (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۱۵ دی ۱۴۰۰)

علت ریشه ای

رژیم ملایان در ایران به طور ذاتی زن ستیز است. نیروها و سیاست های خود را حول خشونت علیه زنان و تبعیض جنسیتی تهییج می کند. دو مشخصه خشونت علیه زنان در ایران عبارتند از حمایت دولتی و نهادینه بودن در قانون و ترویج توسط قانون. قانون اساسی و قوانین رژیم آخوندی ازدواج های اجباری زود هنگام، کودک آزاری، خشونت خانگی و قتل های ناموسی را ترویج کرده و مجاز می داند. خشونت علیه زنان در ایران جرم انگاری نشده است. لایحه پیشنهادی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان بیش از ده سال است که در انتظار تصویب است. قوه قضائیه ایران با مجازات نکردن مجرمان بیشتر به گسترش خشونت علیه زنان کمک کرده است. به این دلایل است که ما در چند سال اخیر شاهد تداوم جریان وار قتل های بی رحمانه زنان بوده ایم. تحت حاکمیت رژیم ملایان، مردان به قوانینی اتکاء می کنند که مردان را به عنوان رئیس خانواده و صاحب زن به رسمیت می شناسد.

در حاکمیت رژیم آخوندی، زنان شهروند درجه دو هستند و در تمام قوانین مطیع مردان هستند. چنین قوانینی، علاوه بر فرهنگ زن ستیز غالب، به مردان چراغ سبز می دهند در مواجهه با هر گونه فشار اقتصادی یا اجتماعی از زنان خانواده انتقامجویی کنند. درست است که چاقو، داس یا هر سلاح دیگری در دست پدر، برادر، شوهر یا یکی از بستگان مرد قرار دارد، اما جلوگیری از قتل های بیشتر زنان مستلزم محکوم و نابود کردن اندیشه زن ستیزانه است.

۲۸ نمونه از قتل های ناموسی زنان در رابطه با کودک همسران

1. ۲۵ دی - ۱۳۹۹ سردشت - سونیا دهقان ۲۵ ساله و مادر یک کودک خردسال به دستور پدر و توسط برادر و پسرعمویش به قتل رسید. سونیا سه سال قبل از همسرش جدا شده بود و قصد ازدواج داشت.
2. ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ - ارومیه - عشرت نیکخویی ۳۲ ساله مادر ۳ فرزند - توسط پدر و برادرش به آتش کشیده شد و جان سپرد. او طلاق گرفته بود و به منزل پدرش برگشته بود.
3. ۶ اسفند ۱۳۹۹ - ارومیه - عزیزه حقی عیوبی ۳۳ ساله مادر ۴ فرزند توسط شوهرش در کشتارگاه به قتل رسید. وی او را خفه کرد.
4. ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ - سرپل ذهاب - نسرين پهلوانی ۲۵ ساله مادر دو فرزند، به دست برادرش از طریق گاز خانگی خفه شد.
5. ۱۱ تیر ۱۴۰۰ - کرمانشاه - شکیبا بختیار ۱۶ ساله به دلیل دیر آمدن به خانه توسط پدر با ضربات چاقو به قتل رسید.
6. ۳ مرداد ۱۴۰۰ - سنندج - بیان مرادی ۴۰ ساله مادر سه فرزند و قربانی ازدواج اجباری بود. او و خواهر باردارش، به دست شوهرش به قتل رسیدند.
7. ۴ مرداد - ۱۴۰۰ سردشت - هما حاجی پور کارمند سابق بهداشت توسط شوهرش با شلیک ۲۰ گلوله به قتل رسید. او برای طلاق از همسرش به ایران بازگشته بود.
8. ۱۷ مرداد ۱۴۰۰ - سارا پیرزادی - به دلیل ازدواج با فرد دیگری توسط پسرعمویش با ۵ گلوله به قتل رسید.
9. ۱ شهریور - ۱۴۰۰ یک زن در استان های شمالی ایران به دست شوهرش به قتل رسید.
10. ۸ شهریور - ۱۴۰۰ لرستان - میناسوری ۱۴ ساله شوهرش که یک آخوند به دلیل ظن بی پایه او را با روسری خفه کرد.
11. ۱۰ شهریور ۱۴۰۰ - تهران - مهسا ۲۷ ساله - شوهرش با ضربه چاقو به سینه اش او را کشت.
12. ۱۱ مهر - ۱۴۰۰ سنندج - فائزه ملکی نیا ۲۲ ساله به دلیل ازدواج با فرد دیگری پس از طلاق توسط پدرش به آتش کشیده شد.
13. ۲۳ مهر ۱۴۰۰ - همدان - لیلا شکیبا ۳۹ ساله مادر دو فرزند با ضربات چاقو توسط شوهرش به قتل رسید.
14. ۲۳ مهر - ۱۴۰۰ رفسنجان - یک دختر ۲۱ ساله به دلیل ارتباطش با یک پسر توسط پدر خود به قتل رسید.
15. ۲۷ مهر ۱۴۰۰ - یک مرد ۷۳ ساله با چاقو به زن ۶۳ ساله اش حمله کرد و او را کشت.
16. ۲۷ مهر - ۱۴۰۰ کرمان - یک دختر ۲۱ ساله توسط پدر خود به قتل رسید که جسدش را در چاه عمیقی انداخت.
17. ۱۲ آبان ۱۴۰۰ - آرزو الفتی گلدسته ۴۲ ساله در کرمانشاه به دلیل جواب منفی دادن در خواستگاری به دست پسرعمویش کشته شد.
18. ۱۳ آبان ۱۴۰۰ - قتل یک دختر جوان با سلاح گرم در خوزستان توسط اعضای خانواده اش
19. ۱۴ آبان - ۱۴۰۰ همدان - نگار احمدی ۲۷ ساله وی توسط مردی که به او جواب رد برای ازدواج داده بود ربوده و مورد تجاوز قرار گرفت. قاتل او را خفه و بعد چند گلوله به او شلیک کرد.
20. آذر - ۱۴۰۰ سربندر استان خوزستان - لیلا تمیمی به جرم داشتن رابطه با مردی توسط عمویش به قتل رسید.
21. آذر ۱۴۰۰ - دو دختر ۱۷ و ۱۸ ساله در منطقه دشتیاری استان سیستان و بلوچستان به دست اقوام خود به قتل رسیدند.
22. ۱۷ آذر ۱۴۰۰ - بابلسر - یک مرد بعد از تعقیب زنش که او را با یک مرد دیگری دید با چاقو او را کشت.
23. ۲۹ آذر ۱۴۰۰ - آبادان - زن جوان به دلیل ازدواج با مرد مورد علاقه اش توسط برادرش به قتل رسید.
24. ۹ دی - ۱۴۰۰ شوشتر در استان خوزستان - نگین درویشی ۲۴ ساله و مادر یک فرزند سه ساله به دلیل درخواست طلاق با شلیک اسلحه شوهرش به قتل رسید.
25. ۳ بهمن ۱۴۰۰ - یک دختر نوجوان به دلیل انتشار تصاویر خود در فضای مجازی با ضربات چاقو توسط برادرش به قتل رسید.
26. ۱۶ بهمن - ۱۴۰۰ اهواز - مونا حیدری ۱۷ ساله و مادر کودک سه ساله به دست شوهر و برادر شوهرش سرش بریده شد.

۳۲ مورد از قتل زنان بر اثر خشونت خانگی افسار گسیخته

1. ۴ فروردین ۱۴۰۰ ثریا خطیر - تهران - با ضربه یک جسم سخت توسط شوهر کشته شد.
2. ۲۳ فروردین ۱۴۰۰ - کرج - زن جوان به دلیل درخواست طلاق بر اثر ضربات چاقو شوهرش به قتل رسید.
3. ۸ خرداد - ۱۴۰۰ سقز - گلاره شیخی (نگین) ۲۵ ساله با ضربه مشت شوهرش جان سپرد. این مرد سپس جسدش را به آتش کشید و در گودالی مخفی کرد.
4. ۱۵ خرداد ۱۴۰۰ - استان ایلام - زن ۳۵ ساله به دست شوهرش با ضربات چاقو به قتل رسید.
5. ۱۶ خرداد - ۱۴۰۰ کرمانشاه - قتل دو خواهر - شوهر یکی از آنها با شلیک چند گلوله همسر و خواهر همسرش را کشت.
6. ۲۰ خرداد ۱۴۰۰ - استان ایلام - یک زن با سلاح گرم توسط شوهرش به قتل رسید.
7. ۱۲ تیر ۱۴۰۰ - زن جوان به نام مریم که درخواست مهریه اش را داده بود. جسد سوخته وی در کوه قز پیدا شد.
8. ۲۹ تیر - ۱۴۰۰ استان کهگیلویه و بویر احمد - آسیه حاصلی ۲۴ ساله با ضربات مشت همسرش دچار مرگ مغزی شده بود و پس از مدتی جان سپرد.
9. ۱۰ مرداد - ۱۴۰۰ کرج - یک زن ۶۳ ساله - توسط شوهرش کشته شد.
10. ۱۵ مرداد - ۱۴۰۰ میوان - منیره قادری ۴۵ ساله - توسط شوهرش با ضربه به سر جان سپرد.
11. ۱۵ مرداد - ۱۴۰۰ سنندج - شیلا مندمی - شوهرش او را با اسلحه کشت.
12. ۲ شهریور - ۱۴۰۰ کرج - زن ۴۳ ساله به دست شوهرش بر اثر ضربه به سر به کما رفت و پس از دو ماه جان سپرد.
13. ۲۰ شهریور - ۱۴۰۰ محلات - یک زن ۳۲ ساله به دست همسرش با سلاح به قتل رسید.
14. ۲۸ شهریور - ۱۴۰۰ لاهیجان - یک زن ۷۰ ساله به دست شوهرش کشته و در حیاط خانه دفن شد.
15. ۳ آبان - ۱۴۰۰ روستای سیلوه - گلاره دهار پس از ضرب و شتم شوهرش دچار مرگ مغزی شد و جان سپرد.
16. ۹ آبان - ۱۴۰۰ ارومیه - فاطمه رسولی - شوهرش به دلیل اینکه فرزند ششم وی در سونوگرافی دختر تشخیص داده شد، دست و پای او را بست و او را سوزاند.
17. ۱۰ آبان - ۱۴۰۰ کرمانشاه - آسیه اکبری ۳۵ ساله توسط شوهرش با ضربه چوب به سرش به قتل رسید. آسیه اکبری مادر دو فرزند بود.
18. ۱۰ آبان ۱۴۰۰ - ایلام - یک زن با هویت (ز-ر) توسط شوهرش با چاقو به قتل رسید.
19. ۱۱ آبان ۱۴۰۰ - سنقر - یک زن توسط شوهرش با ضربه یک جسم سخت به قتل رسید.
20. ۱۲ آبان - ۱۴۰۰ شیراز - یک زن ۳۳ ساله توسط شوهرش به قتل رسید.
21. ۲۲ آبان - ۱۴۰۰ جهرم - یک زن توسط شوهر ۶۴ ساله اش با چاقو کشته شد.
22. ۲ آذر ۱۴۰۰ - کرمانشاه - مردی با شلیک گلوله زنش را کشت.
23. آذر - ۱۴۰۰ ملایر - سحر نوروزی مادر دو فرزند خردسال توسط شوهرش به آتش کشیده شد.
24. آذر - ۱۴۰۰ مردی جوان خواهرش را به این دلیل که وی خانه مجردی گرفته و معتاد شده بود او را خفه کرد.
25. آذر ۱۴۰۰ - روستایی در ارومیه - یک زن به دست شوهرش به دلیل اختلافات خانوادگی کشته شد.
26. ۱۰ آذر - ۱۴۰۰ رشت - یک مرد همسر خود را کشت.
27. ۱۵ آذر - ۱۴۰۰ استان فارس - یک زن به دست شوهرش به قتل رسید.
28. ۱۳ بهمن ۱۴۰۰ - تهران - یک زن جوان مادر پسر ۶ ساله به دست شوهرش به قتل رسید. او پس از ضربه به سرش بی حال شده و شوهرش با روسری او را خفه کرد.
29. ۲۹ بهمن ۱۴۰۰ - استان ایلام - طاهره شفیعی ۲۲ ساله توسط پدر شوهرش به قتل رسید.
30. ۲۹ بهمن ۱۴۰۰ - کرمانشاه - فاطمه صامتی به دست شوهرش به وسیله چاقو و تبر به قتل رسید.

کودک همسری، پایانی ویرانگر بر دوران کودکی

کودک همسری که یکی از مصادیق بارز خشونت علیه زنان است در ایران تحت حاکمیت ملایان در حال رشد فزاینده می باشد. ازدواج های زود هنگام و کودک همسری در ایران ریشه های فرهنگی ندارد بلکه به دلیل سیاست های رژیم ملایان تبدیل به یک فاجعه اجتماعی شده است.

● ایران با حداقل سن قانونی ۱۳ سال برای ازدواج پس از گینه که حداقل سن ازدواج در آن ۱۲ سال است، رتبه دوم را در جهان دارد. (روزنامه حکومتی ستاره صبح - ۲ آذر ۱۴۰۰)

در واقعیت روی زمین اما دخترکان ۹ ساله با رضایت پدر یا جلد پدری و تأیید قاضی شرع و ادار به ازدواج می شوند. رژیم آخوندی از افزایش سن ازدواج دختران، ممنوع کردن و جرم انگاری ازدواج های زود هنگام خودداری کرده است.

● از نخستین اقدامات ابراهیم رئیسی و دولت سیزدهم لغو سند آموزش ۲۰۳۰ و ابلاغ سند ملی حقوق کودک و نوجوانان است. این سند ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال را مجاز می داند. یکی از موارد قابل توجه این سند، حمایت آشکار آن از ازدواج کودکان است. بر این اساس ازدواج کودکان زیر سن مندرج در قانون خود رژیم «غیرقانونی» نیست.

کودک همسری
یکی از مصادیق بارز خشونت علیه زنان
در هر ۲۴ ساعت، یکصد ازدواج زیر ۱۵ سال

۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار

یک مقام قوه قضائیه اعتراف کرد سالانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار کودک در ایران ازدواج می کنند که به طور رسمی ثبت می شود

ازدواج های زود هنگام

۳۱۳۷۹ ازدواج دختران زیر ۱۴ سال در سال ۱۳۹۹

۹۷۵۳ ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در بهار ۱۴۰۰

زایمان کودک مادران

۱۳۴۶ زایمان در بین مادران کمتر از ۱۵ سال در سال ۹۹

۹۶ هزار زایمان در بین مادران ۱۵ تا ۱۹ ساله در سال ۹۹

۹۶۹ زایمان از مادران ۱۴-۱۰ ساله در بهار ۱۴۰۰

۴۴۸۹۶ زایمان از مادران ۱۹-۱۵ ساله در بهار ۱۴۰۰

۷۰ درصد طلاق

۷۰ درصد ازدواج های کودک همسری منجر به طلاق می شوند

۱۳۱ دختر بچه زیر ۱۴ سال در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ طلاق گرفتند

۲۶۵۰ دختر ۱۴ تا ۱۹ ساله در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ طلاق گرفتند



آمار سال ۱۴۰۰

در حال حاضر در هر شبانه روز ۱۰۰ ازدواج دختر بچه های زیر ۱۵ سال در کشور ثبت می شود. برآورد می شود تا پایان امسال حدود ۴۰ هزار ازدواج زود هنگام در کشور انجام بشود. (روزنامه حکومتی آرمان ملی - ۵ مرداد ۱۴۰۰)

● مرکز آمار ایران، اعلام کرد در بهار ۱۴۰۰، ۹۷۵۳ دختر بچه ۱۰ تا ۱۴ ساله ازدواج کرده اند و ۹۶۹ کودک از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله به دنیا آمدند. آمار کودک همسری نسبت به همین بازه زمانی در سال گذشته ۳۲ درصد افزایش داشته است. (خبرگزاری حکومتی ایسنا - اول آذر ۱۴۰۰)

● بنا به گزارش سازمان ثبت احوال ایران مورخ ۲۲ مهر ۱۴۰۰، از ابتدای سال تا نیمه مهرماه ۱۴۰۰، ۷۹۱ نوزاد از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله متولد شده اند.

● مرکز آمار ایران همچنین ۳۱۳۷۹ ازدواج در میان دختران ۱۰ تا ۱۴ سال و ۱۳۶۴ زایمان در میان مادران زیر ۱۵ سال در طول سال ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۲۹ مرداد ۱۴۰۰)

● طبق این روند، آمار کودک همسری در ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است. آمار کودک همسری در کشورمان حدود ۳۰ درصد از متوسط جهانی بالاتر است. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۳ مرداد ۱۴۰۰)

● آمارهای اعلام شده توسط مرکز آمار ایران نوک کوه یخ آمارهای کودک همسری است چون رقم واقعی کودک همسری ۵ تا ۶ برابر آمار اعلام شده می باشد. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۳ مرداد ۱۴۰۰)

● رژیم ملایان نیز با اختصاص وام ازدواج به افزایش آمار سالانه ازدواج های زود هنگام به ویژه دختران زیر ۱۳ سال دامن زده است. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۵ تیر ۱۴۰۰)

● عدم توجه مقامات حکومتی به پدیده کودک همسری در این نقطه متوقف نمی شود و موجب بروز پدیده های کودک مادر و کودک مطلقه شده است. ۷۰ درصد ازدواج های زود هنگام منجر به طلاق می شوند. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۵ مرداد ۱۴۰۰)

فقدان اراده برای تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان

با این منطبق، ده سال زمان کافی برای تصویب لایحه حمایت از زنان در مقابل خشونت نیست اما وقتی نوبت به طرح فرزندآوری و جوانی جمعیت می رسد که هدفش به حاشیه راندن هرچه بیشتر زنان و ضایع کردن اندک حقوق باقیمانده آنها است، این کار به سرعت ظرف یک ماه انجام می شود.

نتیجه منطقی این که در این رژیم هیچ اراده ای برای تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان یا حفاظت از زنان در مقابل خشونت وجود ندارد. روشن است که چرا رژیم تا کنون کنوانسیون منع خشونت علیه زنان سازمان ملل CEDAW و سایر کنوانسیونهای مرتبط با آنرا نیز امضاء نکرده است.

سال گذشته قتل فجیع رومینا اشرفی افکار عمومی ایران و جهان را به شدت برانگیخت. امسال صحنه های گرداندن سر بریده یک زن توسط شوهرش در خیابان های اهواز وجدان جهان را تکان داد.

با این همه لایحه منع خشونت علیه زنان بعد از ۱۰ سال سنگ اندازی هنوز به تصویب نرسیده است. دولت روحانی بعد از ۱۶ ماه که لایحه را در دست خود نگه داشته بود، بالاخره در ۲۴ ژانویه ۲۰۲۱ آن را جهت تصویب نهایی تقدیم مجلس کرد. امروز بعد از گذشت بیش از یک سال، این لایحه همچنان در مجلس خاک می خورد. و حتی بعد از بریده شدن سر یک مادر ۱۷ ساله هنوز از فوریتی برای بررسی برخوردار نیست.

به این ترتیب، زنان ایران باید همچنان گسترش مداوم و خودسرانه خشونت علیه زنان را چه در معابر عمومی و چه در خانه تجربه کنند. عدم مجازات مهاجمین از سوی دولت موجب تشویق فرهنگ پدرسالار شده است. در حقیقت اقدام رژیم ملایان در مطرح کردن لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، حرکتی نمایشی بود تا به مثابه یک سوپاپ اطمینان از انفجار خشم زنان و مردم ایران جلوگیری کند و در صحنه بین المللی هم برگگی در دست رژیم باشد.

اما برای مردم ایران به طور خاص زنان بسیار روشن است که رژیم زن ستیز ملایان هرگز نمی تواند طرحی در جهت منافع زنان و حفاظت از حقوق آنها به تصویب برساند. چرا؟ به این دلیل که این رژیم بر مبنای سرکوب زنان بنا شده، حامی اصلی خشونت علیه آنها است و خشونت علیه زنان را در قانون نهادینه کرده است. همچنان که وقتی رژیم خمینی می خواست اختناق را بر جامعه حاکم کند، از اجباری کردن حجاب زنان آغاز کرد، شل کردن زنجیرهای ظلم و فشار و اختناق بر پیکر زنان ایران رابطه بلافصل و مستقیم با از هم گسیختن سلطه دیکتاتوری آخوندی بر جامعه دارد.



وضعیت کودک همسری در استان ها

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ کودک همسری در صدر استان های کشور قرار دارد.

● ۱۸ مورد ازدواج کودکان بین ۵ تا ۹ سال از ابتدای سال ۱۴۰۰ توسط اداره ثبت احوال سیستان و بلوچستان به ثبت رسیده است. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۱۴ دی ۱۴۰۰)

● همچنین ازدواج دختر بچه های ۱۰ تا ۱۴ ساله در این استان به ۲۴۰۵ ازدواج رسید. در استان سیستان و بلوچستان که رتبه اول کودک همسری را دارد، از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا آخر آبان تولد ۲۹۰ کودک از مادران بین ۱۰ تا ۱۴ ساله به ثبت رسیده است. (روزنامه حکومتی ستاره صبح - ۲ آذر ۱۴۰۰)

● پس از سیستان و بلوچستان، پنج استان خوزستان، خراسان رضوی، گلستان، کرمان و آذربایجان شرقی بیشترین تولد کودکان از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله را طی شش ماه نخست سال ۱۴۰۰ داشتند. (تلگرام سایت حکومتی سلامت نیوز - ۲۴ مهر ۱۴۰۰)

● در اهواز مرکز استان خوزستان، روزانه یک تا ۳ ازدواج زیر پانزده سال ثبت می شود. بسیاری از خانواده در این شهر، در اثر بیکاری ناشی از بی آبی و فقر و تورم، وقتی قادر به تأمین اعضای خود نیستند، اولین کسی را که بیرون می کنند دختران هستند. (سایت حکومتی فرارو - ۱۲ دی ۱۴۰۰)

باید خاطرنشان ساخت که رژیم ایران در انتشار آمار شفافیت ندارد و همانطور که در بالا اشاره شد، آمار منتشر شده نوک کوه یخ کودک همسری در ایران است.

● علی کاظمی، مشاور معاون حقوقی قوه قضائیه در سال ۹۷ اعلام کرده بود، «سالانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار کودک ازدواج می کنند. اینها به طور رسمی ازدواج کرده اند اما مشکل عمده ما افرادی هستند که خارج از فرآیند رسمی ازدواج می کنند.» (روزنامه حکومتی انتخاب - ۱۳ اسفند ۱۳۹۷) با توجه به گسترش فقر و سیاست های رژیم در ترویج ازدواج زود هنگام، آمار کنونی بسیار بالاتر از اینها تخمین زده می شود.

حجاب اجباری خشونت سیستماتیک علیه زنان ایران

طی سالی که گذشت ارگان‌های مختلف رژیم آخوندی اعمال محدودیت‌های بیشتر در زمینه حجاب را در دستور کار خود قرار دادند.

مقامات مختلف رژیم به ورود نیروهای غیررسمی در سرکوب بیشتر زنانی که قوانین حجاب را نقض می‌کنند، فراخوان دادند.

● ابراهیم رئیسی روز ۵ دی ماه ۱۴۰۰ به مسئولان دولت دستور داد مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه «حجاب و عفاف» را اجرا کنند و تأکید کرد که «حتی یک روز» را هم نباید از دست بدهند.

● انسیه خزعلی، معاون امور خانواده و زنان، روز پنجشنبه ۹ دی ۱۴۰۰ در جلسه‌ای با نمایندگان زنان استان قم گفت: «قانون‌های بسیاری در مورد حجاب داریم که متأسفانه تا به امروز اجرا نشده است. اما دولت برای اجرای این قوانین قاطعانه ورود می‌کند.» وی تأکید کرد «ما باید در حوزه فرهنگی سلاح دست گرفته تا بتوانیم هویت اصیل و اسلامی را به جوانان منتقل کنیم.»

● رئیس شورای اسلامی شهر قم طی سخنانی گفت: «بیش از گذشته نیاز به فریضه امر به معروف و نهی از منکر احساس می‌شود.» وی افزود این کار را نباید «وظیفه حکومت» دانست بلکه «یک وظیفه همگانی است.» (خبرگزاری حکومتی مهر - ۲۹ آذر ۱۴۰۰)



افزایش خشونت برای تحمیل حجاب اجباری

● در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۴۰۰ دو زن در ارومیه توسط یک راننده به بهانه تذکر حجاب زیر گرفته شدند. این دو زن بر اثر این حادثه توسط مردم به اورژانس منتقل شدند. یکی از آنها دچار آسیب دیدگی زیادی شد. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۸ مرداد ۱۴۰۰)

● در ماه اکتبر انتشار گسترده یک ویدئو از بازداشت وحشیانه یک زن جوان به شیوه مجرمان خطرناک موجب از خشم و انزجار افکار عمومی را برانگیخت. مأموران لباس شخصی در تهران حلقه‌ای به دور گردن یک زن جوان انداخته و او را به وسیله یک میله به داخل خودروی نیروی انتظامی تهران بزرگ می‌کشیدند. در همین حال یک مأمور زن، موهای این زن جوان را می‌کشید و یک مأمور مرد او را با ضرب و شتم و با زور به داخل ماشین هل می‌داد.

حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی، برای فرو نشانیدن خشم و انزجار عمومی، رفتار وحشیانه مأموران خود را اینطور توجیه کرد: «بازداشت این خانم ربطی به حجاب نداشته و حکمی برای بازداشت وی وجود داشته!» (روزنامه حکومتی ستاره صبح ۲۶ - مهر ۱۴۰۰) چنین رفتار وحشیانه‌ای حتی با مجرمان نیز قابل قبول نیست.

● رژیم آخوندی یک رشته تحصیلی جدید با عنوان احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر بوجود آورده است. مهران صمدی فرمانده سپاه در قرارگاه احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر در مورد محتوای درسی در این زمینه اظهار داشت، کسانی که مایل هستند «گروه‌های مطالبه‌گری» تشکیل دهند، می‌توانند حوزه کاری و مسئله مورد نظر خود را انتخاب و در سایتی با عنوان «میدان مطالبه» ثبت نام کنند. طی ۱۰ روز با گرفتن مجوز قانونی و رسمی از ستاد امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند رسماً از مردم مطالبه‌گری کنند. (روزنامه حکومتی جمهوری - ۲۶ مهر ۱۴۰۰)

وزیر کشور رژیم: اگر ضربه بخوریم از ناحیه زنان است

خبرگزاری‌های حکومتی ۷ دی ماه ۱۴۰۰ از دستگیری یک زن به دلیل درگیری با یک آخوند آمر به معروف خبر دادند. آخوند مربوطه با عصای خود به این خانم ضربه زده و گفته بود که حجابش را رعایت کند. ولی این خانم به جای انفعال، با آخوند مهاجم درگیر شده و عمامه او را به زمین انداخته و زیر پای خود له کرد. ویدئوی این رویارویی در رسانه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخید و با استقبال عمومی مواجه شد. یکی از آخوندهای حکومتی در واکنش به این واقعه در اکانت توئیتر خود گفت «چه بسا اگر این تصویر و این هشدار را جدی نگیریم و باز خودمون رو گول بزنیم، چند وقت دیگه شاهد مراحل بعد خواهیم بود.» وزیر کشور رژیم، احمد وحیدی، با اشاره به اهمیت فوق العاده مسائل زنان به لحاظ مشکلاتی که با نافرمانی از حجاب اجباری و جلوداری در اعتراضات ضدحکومتی برای رژیم ایجاد می‌کنند، گفت: «اگر انقلاب (بخوانید رژیم) بخواهد ضربه بخورد از ناحیه زنان است.» (سایت حکومتی انتخاب - ۱۸ آذر ۱۴۰۰)

گسترش سریع فقر در ایران



زمستان
خط فقر در زمستان ۱۳۹۹
میلیون تومان ۱۰

بهار
خط فقر در بهار ۱۴۰۰
میلیون تومان ۱۲

تابستان
خط فقر در تابستان ۱۴۰۰
میلیون تومان ۱۴

کارشناسان متفق القول هستند که چهره فقر در ایران زنانه است

رژیم ملایان در جهت ناتوانمندسازی زنان حرکت می کند. این حقیقتی است که کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران طی سالیان مکرراً بر آن تأکید کرده است. در ایران هیچ اثری از تقویت حفاظت و احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادین زنان از جمله برخورداری از حق جهانشمول، خدشه ناپذیر، بهم وابسته و بهم پیوسته توسعه و پیشرفت وجود ندارد. تضمین حقوق همگانی برخورداری از مشارکت و همیاری برابر، برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، برخورداری از حق ارتقاء و حفاظت، و توانمندی برای تحقق کامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی به عنوان آحاد مردم از جمله سایر حقوقی هستند که سرکوب شده اند اما واقعیت این است که در نتیجه سیاست های ضد مردمی رژیم ایران، بی تدبیری و سوءمدیریت، و غارت و فساد سیستماتیک در دستگاه حکومتی، مردم ایران به طور عام طی سالیان هرچه فقیرتر و طبقه متوسط به کلی ناپدید شده است. کارشناسان متفق القول هستند که چهره فقر در ایران زنانه است.

ناتوانمندسازی زنان در ایران

رشد داشته است. به این ترتیب ۳۶ میلیون ایرانی در زیر خط فقر زندگی می کنند. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۳۱ مرداد ۱۴۰۰)

این آمار مربوط به سال ۱۳۹۹ است که تورم در آن ۳۶.۴ درصد گزارش شده بود. نکته قابل توجه اینکه در سال ۱۴۰۰، نرخ تورم در تیرماه از ۴۴ درصد گذشته بود. بنابر همین منبع، از هر سه نفر ایرانی یک نفر در زیر خط فقر زندگی می کند.

● سال گذشته، خط فقر در ایران ۱۰ میلیون تومان در ماه بود. (سایت حکومتی تابناک - ۴ مهر ۱۳۹۹)
در ابتدای سال ۱۴۰۰ خط فقر به ۱۲ میلیون تومان افزایش یافت و در تابستان به ۱۴ میلیون تومان رسید. ظرف ۴ ماه قیمت مسکن و کالاهای اساسی در ایران بین ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش داشت و منجر به بالا رفتن خط فقر شد. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۳ مرداد ۱۴۰۰)

● بر اساس آمار رسمی، جمعیت زیر خط فقر مطلق که از سال ۹۲ تا ۹۶ به ۱۵ درصد رسیده بود، در فاصله سال های ۹۶ تا ۹۸ به ۳۰ درصد افزایش یافت و دو برابر شد. آمار در دسترس در رابطه با سال ۱۳۹۸ نشان می دهند که تقریباً ۳۲ درصد خانوارهای ایرانی که ۹.۵ میلیون خانوار (۳۸ میلیون نفر) تخمین زده می شوند زیر خط فقر بوده اند.

● وزارت تعاون، کار و رفاه برای اولین بار یک گزارش رسمی از خط فقر منتشر کرد. در این گزارش آمده است که در سال ۱۳۹۹ به نسبت سال ۱۳۹۸ خط فقر ۳۸ درصد

شیوع سوء تغذیه

● مهمترین عامل افزایش خط فقر در سال ۹۹ تورم بالا در دو بخش خوراکی و مسکن بوده است. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۳۱ مرداد ۱۴۰۰)

● به دلیل افزایش تورم در بخش خوراکی، مردم دیگر امنیت غذایی ندارند و نمی توانند کالری استاندارد مورد نیاز خود را تأمین کنند.

● بنابه یک گزارش در مرداد ۱۴۰۰، به نسبت سال قبل اقلامی مانند حبوبات بیش از ۵۰ درصد، برنج حدود ۴۲ درصد، ماکارونی بیش از ۲۰ درصد و نان بیش از ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته است و به این دلیل از سبد تغذیه خانواده ها حذف شده اند. (سایت حکومتی تجارت نیوز - ۳۱ شهریور ۱۴۰۰)

● یک مقام حکومتی در تلویزیون رژیم گفت «حدود ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور نیاز به کمک فوری و آنی دارند.» (خبرگزاری حکومتی فارس - اول آبان ۱۳۹۹)

شرایط به گونه ای است که خانواده ها نمی توانند حتی یک نان و تخم مرغ در سفره خودشان داشته باشند.

● ظهور پدیده جدیدی به نام «جوی گردی» حاکی از این است که برخی از مردم و به طور خاص زنان کارتن خواب و معتاد برای به دست آوردن روزی خود سر در سطل زباله و یا در جوی های شهر می کنند. (خبرگزاری حکومتی رگنا - ۱۴ مهر ۱۴۰۰)

● بنا به اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه رژیم در سال گذشته ۲.۴ میلیون نفر از مردم ایران یا ۶۱۲ هزار خانواده به واسطه هزینه های بالای درمانی به زیر خط فقر رفته اند. (سایت حکومتی انتخاب - اول شهریور ۱۴۰۰)

● شیوع کرونا صف زنان سرپرست خانوار نیازمند برای دریافت مستمری را نیز متراکم تر کرده است. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۲۷ شهریور ۱۴۰۰)

شیوع فزاینده سوء تغذیه در ایران

مدود ۴۰ میلیون نفر در ایران نیازمند دریافت کمک فوری هستند



اقلامی مانند حبوبات بیش از ۵۰ درصد،

برنج حدود ۴۲ درصد، ماکارونی بیش از ۲۰ درصد

و نان بیش از ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته است

و به این دلیل از سبد تغذیه خانواده ها حذف شده اند

بحران مسکن و تأثیرات آن بر زندگی زنان

سوء مدیریت، و فساد و چپاولگری رژیم ملایان سبب شده خانواده های بیشتری هر آنچه دارند را از دست بدهند و سرگردان کوچه و خیابان های شهر بشوند.

● یکی از مدیران مرکز کاهش آسیب وضعیت خانواده ها را این گونه توصیف می کند: «در این مدت خانواده های زیادی داشتیم که بی سرپناه شده اند. دلیل بی سرپناه شدن آنها در اغلب موارد فقر مالی و موارد مرتبط با فقر مانند بیکاری است.» به گفته وی در این مراکز نگهداری مجبور می شوند زن و فرزند را از پدر جدا کنند. (سایت حکومتی خبرآنلاین - ۵ دی ۱۴۰۰)

● اما اگر فرزند پسر ۱۷-۱۶ ساله باشد، دیگر نه می شود او را در مراکز زنان نگهداری کرد و چون کمتر از ۱۸ سال است، به مراکز مردان راه داد. مراکز بهزیستی نیز مادر و

● مقامات بهزیستی رژیم اذعان داشته اند که حداقل ۵۱ هزار کودک در دوره پاندمی پدر یا مادر خود را از دست داده اند. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۲۷ شهریور ۱۴۰۰)

دختر را می پذیرد اما مادر و پسر بچه را از هم جدا می کند.

● یک گزارش دیگر حاکی است، ۴۰ درصد زنانی که به گرمخانه ها مراجعه می کنند معتاد نیستند بلکه فقط به علت بی سرپناهی به آنجا مراجعه می کنند. (روزنامه حکومتی جمهوری - ۱۳ اسفند ۱۳۹۹)

● باید در نظر داشت که این آمار مربوط به تنها ۴ گرمخانه زنان از کل ۲۰ گرمخانه در تهران است.

● در نتیجه ابعاد گسترده فقر مسکن و فقدان حمایت و خدمات اجتماعی برای این گونه خانواده ها، ایران شاهد شکل گیری پدیده های جدیدی بوده است. از جمله ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر که در حاشیه گورستان ها زندگی می کنند.

● سن کارتن خوابی زنان و دختران به ۱۵ سال رسیده است. (خبرگزاری حکومتی رگنا - ۱۶ خرداد ۱۴۰۰)

● تعداد دختران کارتن خواب ۱۷-۱۶ و ۱۸ ساله به حدی رسیده که حتی رسانه ها درباره آن می نویسند. (خبرگزاری حکومتی رگنا - ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹)

● زنان کارتن خواب بالای ۶۰ ساله در سطح شهر تهران وجود دارند. (خبرگزاری حکومتی رگنا - ۱۶ خرداد ۱۴۰۰)

● یکی از سایت های حکومتی از حضور ۲۷۰۰ زن بی خانمان تنها در شهر اهواز، پایتخت استان نفت خیز خوزستان خبر داد. (سات حکومتی شهروند آنلاین - ۲۶ بهمن ۱۴۰۰)

● کارتن خوابی زنان و دختران ایرانی آن ها را به هدف اول انواع خطرات تبدیل می کند. اعتیاد، تعرض و سایر بلاها و آسیب های اجتماعی برای آن ها تقریباً غیر قابل اجتناب می شود اما خطرات جانی هم در کمین هستند.

وضعیت مشقت بار زندگی

زنان کارگر

● در دیماه ۱۳۹۹، یک زن ۴۵ ساله بی خانمان در کرمان که به دلیل فقدان گرمخانه، به اجبار به یکی از کوره های آهک پزی پناه برده بود، بر اثر آتش سوزی جان خود را از دست داد. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۳۰ دی ۱۳۹۹)

● سر یک دختر کارتن خواب ۱۵ ساله در سیرجان از تن جدا شد. کارگران شهرداری سیرجان، در حین تخلیه یک مخزن زباله متوجه یک پلاستیک سنگین با ظاهری غیرطبیعی شدند که حاوی سر بریده دختری نوجوان بود. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۸ دی ۱۳۹۹)

● رژیم ملایان نه تنها راه حلی برای کارتن خوابی زنان و دختران ندارد بلکه با سیاست های چپاولگرانه خود، هر روز به شمار آنها می افزاید. هفته ای نیست که فیلم خراب کردن وحشیانه خانه های مردم در سراسر کشور و آواره کردن زنان و کودکان در رسانه های اجتماعی پخش نشود.

● علاوه بر حاشیه نشینی و کارتن خوابی، پدیده های نوظهوری مثل گورخوابی، پشت بام خوابی، گودال خوابی، ماشین خوابی و اتوبوس خوابی در پایتخت و سایر شهرها، زنگ خطر بحران مسکن را به صدا در آورده اند.

● زمستان امسال یکی از رسانه های حکومتی تصاویری منتشر کرد که نشان می داد مردان و زنان و کودکانی که استطاعت پرداخت کرایه اتاقی در مسافرخانه را ندارند، شبهای سرد زمستان را در اتوبوس ها به صبح می رسانند. (سایت حکومتی انتخاب - ۱۲ دی ۱۴۰۰)

آنها برای اینکه بتوانند چند ساعت را در محلی گرم بخوابند سوار اتوبوس هایی می شوند که باید ایستگاه به ایستگاه جا عوض کنند. در میان این مسافران زنانی هم هستند که با کودکان خود برای خوابیدن سوار اتوبوس می شوند.

● حداقل ۳ میلیون زن در ایران کارگر زیرزمینی هستند.

(خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۰ مرداد ۱۴۰۰)

● هیچ ارگانی بر کار کارگران زیرزمینی نظارت ندارد. اکثریت آنها ۷۰۰ یا ۸۰۰ هزار تومان در ماه دستمزد دارند که از حداقل دستمزد تعیین شده بر اساس قانون کار رژیم کمتر است. این حقوق حتی یک دهم زندگی شان را تأمین نمی کند. آنها اگر روزی کار نکنند دیگر چیزی برای خوردن ندارند.

● یک میلیون زن در ۹ ماه اول شروع بحران کرونا از کار بیکار شدند.

● وضعیت زنان کارگر در ایران قابل مقایسه با سایر اقشار نیست. آنها با حقوق ناچیز بدون برخورداری از هیچ مزایا و حق بیمه در شرایط برده وار کار می کنند. حدود ۸۰ درصد شاغلان بدون بیمه زنان هستند.

● در مناطق کردنشین زنان برای تأمین معاش خود و خانواده مجبور به انجام کارهایی مانند کولبری و کارگری ساختمان هستند. کولبری زنان در استان های مرزی کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه به امری عادی تبدیل شده است. (سایت حکومتی عصر ایران، ۲ بهمن ۱۳۹۸)

● زنان سرپرست خانوار حتی در سنین بالا مجبورند به خاطر تأمین هزینه های ابتدایی خانواده خود رنج مضاعف کولبری را به جان بخرند. حتی تحصیل کرده ها نیز بدلیل نبود شغل، وادار به کولبری می شوند.

● یکی دیگر از کارهای طاقت فرسایی که زنان مجبورند برای امرار معاش به آن تن بدهند، کار در کوره پزخانه ها است. زنان کارگر بدون هیچ قرارداد و تنها بر اساس توافق در این اماکن بدون استاندارد ایمنی به کار می پردازند. حقوق کارگران بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در روز است و در روزهای تعطیل هم حقوقی به آنها تعلق نمی گیرد.

کارگران مجبورند از ساعت ۷ صبح تا غروب کار کنند و با وجود ساعات کار طولانی، از عهده امرار معاش خود و خانواده هایشان بر نمی آیند. هزینه ایاب و ذهاب نیز بر عهده خود کارگران است که با توجه به دوری شهر از کارخانه، خود بار سنگینی بر دوش آن هاست.

● یک زن کارگر که در یک کارگاه آجرپزی کار می کند، گفت: «در منطقه ما کار نیست. مجبور شدم اینجا کار کنم. خودم الان دیسک کمر گرفته ام. ما ۶ ماه از سال را در خوابگاه های کارگاه اقامت داریم. آنجا از داشتن آب شرب سالم، حمام و سرویس بهداشتی تمیز

حداقل ۳ میلیون زن در ایران کارگر زیرزمینی هستند

یک میلیون زن

در ۹ ماه اول شروع بحران کرونا

از کار بیکار شدند

۸۰ درصد شاغلان

بدون بیمه زنان هستند

اکثریت زنان کارگر در ایران

در ۷۰۰ یا ۸۰۰ هزار تومان

در ماه دستمزد دارند

محروم هستیم و این امر باعث بیماری کودکان ما شده است.» (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۲۳ فروردین ۱۴۰۰)

● قانون کار برای زنان کارگر به اجرا گذاشته نمی شود. ممنوعیت اشتغال زنان در مشاغل سخت و زیان آور، عدم حضور در شیفت های کار شبانه و عدم حمل بارهای سنگین از جمله قوانینی است که نادیده گرفته می شوند.

● در یک حادثه دلخراش در نیمه آبان ۱۴۰۰ مرضیه طاهریان کارگر زن نساجی به دلیل گیر کردن سرش در دستگاه رینگ ریسندگی در یک کارخانه نسجی در سمنان جان سپرد. مرضیه یک روز پیش از این حادثه دلخراش از مشکلاتش در مورد مشقت های شب کاری شکایت داشت. یک کارگر زن در این باره گفت «هفته ای یک بار باید شیفت شب بمانیم، اما جرأت نمی کنیم حرفی بزنیم.» (روزنامه حکومتی شهرآرا - ۲۱ آذر ۱۴۰۰)



پرستاران

بیش از ۸۰ درصد پرستاران در ایران زن هستند.

● از حدود ۱۴۵ هزار پرستار مشغول در بالین بیماران، ۱۳۶ هزار نفر به کرونا مبتلا شدند و حدود ۱۴۰ نفر جان خود را از دست دادند. (روزنامه حکومتی جهان صنعت - ۲۰ شهریور ۱۴۰۰)

● وضعیت استاندارد جهانی ۴ پرستار به ازای یک تخت است. اما در برخی از استانها و شهرستانها گزارشاتی منتشر شده مبنی بر اینکه ۲۵ بیمار را یک پرستار مدیریت می کند. (روزنامه حکومتی خراسان - ۲۵ شهریور ۱۴۰۰)

● حقوق یک پرستار در ایران در بهترین شکل ۵ میلیون تومان است. در حالی که ساعات کار پرستاران به طور متوسط بین ۱۰ الی ۱۲ ساعت است و گاه به ۲۰ ساعت هم می رسد. (روزنامه حکومتی آرمان ملی - ۲۳ مهر ۱۳۹۹)

● رژیم ایران برای احتراز از پرداخت حقوق کامل به پرستاران، از استخدام رسمی پرستاران خودداری می کند. بیشتر پرستاران ایران با قراردادهای موقت ۸۹ روزه به کار مشغول هستند. در این قراردادها، حقوق ماهانه پرستاران بین ۲ تا ۴ میلیون تومان کمتر از حداقل حقوق رسمی است، از مزایا و کارانه و بیمه محروم هستند و امنیت شغلی نیز ندارند. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۵ دی ۱۳۹۹)

● دریافتی یک ماه آنها هم بر اساس قانون نیست. به طور مثال اگر کارانه یک پرستار ۸۰۰ تومان است به جای هر ماه ۸۰۰ تومان، ماهی ۵۰ تا ۱۰۰ تومان با آنها حساب کرده اند.

● پرستاران در میان اقشار معترض جامعه هستند. آنها به محرومیت از حق امنیت شغلی و نابرابری حقوق و مزایا اعتراض دارند.

● در برخی موارد پرستاران شاغل را بدون تسویه حساب مالی و پرداخت حقوق مابه ازاء کار انجام شده از کار اخراج می کنند. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۳ دی ۱۳۹۹)

● حقوق کم و ساعات کار طاقت فرسا، از عوامل مهاجرت پرستاران هستند. آمار مهاجرت پرستاران نسبت به گذشته، ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته است. (روزنامه حکومتی آرمان ملی - ۵ بهمن ۱۴۰۰)

● از اصلی ترین دلایل مهاجرت پرستاران عدم دریافت به موقع و دقیق پاداش کرونا، بی تدبیری در زمینه حفظ منابع انسانی و عدم جذب نیروهای ۸۹ روزه است. (روزنامه حکومتی آرمان ملی - ۵ بهمن ۱۴۰۰)

● آماری که در ابتدای بهار ۱۴۰۰ از سوی مقامات حکومتی منتشر شد حاکی بود که ماهانه ۵۰۰ پرستار به دلیل حقوق پایین در ایران کشور را ترک می کنند. این مهاجرت طی «یک الی یک سال و نیم گذشته رخ داده» و دلایل آن «شرایط کرونا، مسائل معیشتی و مشکلات اقتصادی» بوده است. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۲۸ فروردین ۱۴۰۰)

از حدود ۱۴۵ هزار پرستار، ۳۶ هزار تن به کرونا مبتلا شدند و حداقل ۱۴۰ تن جان خود را از دست دادند



■ بر خلاف نسبت استاندارد یک پرستار برای هر ۴ بیمار، هر پرستار ایرانی باید از ۲۵ بیمار مراقبت کند

■ به رغم ساعات طولانی کار از ۱۰ تا ۲۰ ساعت در روز، حقوق یک پرستار در بهترین صورت ۵ میلیون تومان یا ۱۹۲ دلار است

■ بسیاری از پرستاران و کارکنان بیمارستان مدتهاست که هیچ مزایا و پاداشی دریافت نکرده اند و برخی بدون تسویه حساب و پرداخت حقوق معوقه شان از کار اخراج شدند

■ مهاجرت پرستاران بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته است

● بسیاری از زنان سرپرست خانوار ساکن روستاها یا سکونت گاههای غیررسمی (حاشیه شهرها) به دلیل فقدان تحصیلات دانشگاهی، مهارت های زندگی و همچنین شغل مناسب از امنیت مالی بی بهره هستند و در تأمین اصلی ترین مایحتاج زندگی خانواده شان ناتوانند.

● یک زن سرپرست خانوار در منطقه قاسم آباد زاهدان بعد از تخریب خانه اش مورد ضرب و شتم قرار گرفت. هاجر در پاسخ به این پرسش که آیا در این باره به شهرداری مراجعه کرده است یا خیر گفت: تنها نان آور خانواده پسر ۲۰ ساله ام هستم. همسرم بیکار است. چطوری تا آنجا برویم؟ کرایه رفتن به شهرداری زاهدان ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان است و ما نداریم. نمی توانیم امتیاز برق خریداری کنیم. حتی مدرسه هم نزدیکی خانه مان نیست که بچه هایم را به مدرسه بفرستم. (روزنامه حکومتی آرمان ملی - اول مهر ۱۴۰۰)

● همچنین یک زن مسن بلوچ در جریان تخریب خانه اش توسط نیروهای شهرداری و نیروی انتظامی در زاهدان به بهانه ساخت و ساز غیرقانونی، دچار سکت قلبی شد.

● یک نمونه از این کمک ها، اعطای سبد غذایی ۱۰۰ هزار تومانی برای رفع سوء تغذیه مادران شیرده می باشد. این کمک هزینه ناچیز با توجه به قیمت ها و تورم موجود تأثیری در وضعیت زنان سرپرست خانوار ندارد.

● نمونه دیگر، مبالغ بسیار ناچیز مستمری است (۷۰۰ هزار تومان) که ارگان های حکومتی همچون کمیته امداد و سازمان بهزیستی به زنان سرپرست خانوار می دهند که به هیچ وجه جوابگوی هزینه های زندگی آنان نیست. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۱۲ بهمن ۱۴۰۰)

● این تبعیض در استخدام و اشتغال زنان در ایران، فشار مضاعف بر زنان سرپرست خانوار وارد می کند که ناگزیر از تأمین هزینه های خانواده خود هستند. به این ترتیب، اغلب زنان سرپرست خانوار مجبور به انجام کارهایی مانند دستفروشی، کولبری، نظافت خانه ها، ... هستند که شغل محسوب نمی شوند.

● بنا بر یک گزارش منتشر شده حداقل ۳۰۶۵۹ زن سرپرست خانوار بیماری صعبالعلاج دارند. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۸ مرداد ۱۴۰۰)

● یک گزارش دیگر فاش می سازد که ۷۸۱۸ نفر از زنان سرپرست خانوار دچار معلولیت هستند. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۲۹ شهریور ۱۴۰۰)

● در این شرایط فاجعه بار، فرزندان زنان سرپرست خانوار نیز ناچارند برای کمک به معاش خانواده و کسب درآمد کار کنند.

● سیستان و بلوچستان با بیش از ۲۰ درصد، یعنی ۹۳ هزار زن سرپرست خانوار، بیشترین آمار زنان سرپرست خانوار را به خود اختصاص داده است. اما با توجه به اینکه این استان در میان ۴ استان نخست ایران در زمینه کودک همسری است، هر ساله بسیاری از دختران زیر ۲۰ سال به آمار زنان سرپرست خانوار اضافه می شوند. (روزنامه حکومتی مستقل - ۱۴ دی ۱۴۰۰)

زنان سرپرست خانوار

از ۵ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران، تنها ۱.۳ میلیون نفر از خدمات ناچیز حمایتی برخوردار می شوند

سالانه ۱۲۰ هزار خانوار به قشر زنان سرپرست خانوار اضافه می شود



زنان سرپرست خانوار

ندارند و بیش از نیمی از آنها کم سواد و بی سواد هستند. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۸ مرداد ۱۴۰۰)

● یک سوم از زنان سرپرست خانوار باسواد نیز تحصیلات ابتدایی دارند. (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۲۹ شهریور ۱۴۰۰)

● طبق آمار رسمی که تنها درصدی از واقعیت را منعکس می کنند، ۵۲ درصد از این ۵ میلیون زن سرپرست خانوار فاقد بیمه و مستمری هستند و ۳۸ درصد از آنها جزو ۳ دهک پایین جامعه محسوب می شوند.

● مقامات رژیم در تبلیغات رسانه ای ادعا می کنند که حدود ۱۳ دستگاه متولی امور زنان سرپرست خانوار هستند و هر یک وظایفی در این زمینه به عهده دارند. در عمل اما، زنان سرپرست خانوار بدون کوچکترین حمایت اجتماعی رها شده اند.

● از ۵ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران، تنها ۱.۳ میلیون نفر از خدمات ناچیز حمایتی برخوردار می شوند در حالی که «همگی در نداشتن درآمد مشترک هستند. (سایت حکومتی عصر ایران - ۵ بهمن ۱۴۰۰)

● تعداد این زنان روز به روز در حال افزایش است و اشتغالزایی برای این زنان پایدار نیست. (خبرگزاری حکومتی مهر - ۲۷ تیر ۱۴۰۰)

● سالانه ۱۲۰ هزار خانوار به قشر زنان سرپرست خانوار اضافه می شود. (خبرگزاری حکومتی مهر - ۲۷ تیر ۱۴۰۰)

● بسیاری از زنان سرپرست خانوار حقوق ثابت دولتی



اقدامات زن ستیزانه رژیم ایران طی سال اخیر در ایران

● دور کاری زنان آنها را بیش از پیش به کنج خانه ها می راند و موجب دوری آنها از فعالیت های اجتماعی می شود.

طی سال گذشته، نمایندگان مجلس به جای این که به مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم پردازند طرح هایی را به تصویب رساندند که حتی اندک روزنه های موجود برای کسب و کار زنان را می بندد و حقوق آنها را بیش از پیش ضایع می کند. (روزنامه حکومتی آفتاب یزد - ۴ دی ۱۴۰۰)

● از جمله طرح های تصویب شده، «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» بود که در تاریخ ۶ مرداد ۱۴۰۰ در یک جلسه غیرعلنی مجلس تصویب شد. این طرح با محدود کردن دسترسی آزاد به اینترنت، حق کاربران محیط های اجتماعی اینستاگرام و واتس آپ را نقض می کند.

● یکی دیگر از طرح هایی که بر ضد حقوق زنان در مجلس رژیم به تصویب رسید طرح جوانی جمعیت بود.

در حالی که فقر در جامعه بیداد می کند، چهره فقر زنانه شده و زنان و کودکان برای به دست آوردن قوت لایموت سر در سطل زباله می کنند، مجلس رژیم و سایر ارگان های آن در پی طرح هایی هستند که فرصت های شغلی و منابع درآمد زنان را هر چه محدودتر کرده و آنها را هر چه فقیرتر کرده و بیش از پیش به حاشیه می راند.

● با روی کار آمدن انسیه خزعلی به عنوان معاونت امور زنان و خانواده در دولت رئیسی، حتی همان شعر و شعارها و نمایشات قبلی در حوزه زنان نیز به طور کامل خاموش شد. خزعلی هیچ برنامه اجرایی و عملیاتی خاصی در حوزه زنان ندارد. (روزنامه حکومتی جمله - ۴ آبان ۱۴۰۰)

● علاوه بر این، خزعلی در اولین نشست خبری خود از دور کاری زنان دفاع کرد و گفت «دور کاری زنان هم به نفع دولت و هم به نفع خودشان است.» در نقطه مقابل، برخی از کارشناسان و فعالان به درستی معتقدند «اجرای هر طرحی در راستای دور کاری اجباری زنان می تواند نوعی تفکیک جنسیتی تلقی شود.» (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۳۱ شهریور ۱۴۰۰)

● بندهای این طرح که از این پس به عنوان قانون اجرا خواهند شد، سقط جنین و غربالگری را به صورت جدی محدود کرده اند.

● حق باروری یا حق انتخاب آزادانه برای داشتن فرزند، تعیین تعداد فرزندان، فاصله تولد فرزندان و بارداری از اطلاعات و استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری و بهداشت جنسی که در اسناد حقوق بشر سازمان ملل به رسمیت شناخته شده، در این طرح نادیده گرفته شده است.

● کارشناسان حقوق بشر ملل متحد اعلام کردند که این طرح افزایش جمعیت، «نقض صریح قوانین بین المللی» است. کارشناسان حقوق بشر از رژیم ایران خواستار لغو قانون جدید شدند که «دسترسی به سقط جنین، پیشگیری از بارداری، خدمات عقیم سازی داوطلبانه، و اطلاعات مربوط به آن را به شدت محدود می کند و بر اساس قوانین بین المللی نقض مستقیم حقوق بشر زنان می باشد.»

● روز ۲۶ اسفند ۱۳۹۹، «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» با ۱۶۱ رأی موافق در صحن علنی مجلس به تصویب رسید. تنها طی یک ماه، کمیسیون های مربوط به بررسی این طرح ۱۹ جلسه در این خصوص برگزار کردند.

● مقایسه کنید با طرح جلوگیری از خشونت علیه زنان که هنوز بعد از ۱۰ سال به تصویب مجلس رژیم نرسیده است.

● طرح موسوم به جوانی جمعیت با وعده های اقتصادی، از جمله تخصیص وام به زوج های جوان و تأمین بخش اعظم هزینه های ناباروری، نقض حقوق زنان را به جامعه تحمیل می کند.

آسیب های اجتماعی، پدیده های ناشی از گسترش فقر در ایران

گسترش فقر و زنانه شدن فقر در ایران تبعات گسترده ای در جامعه به همراه داشته است.

● از متوسل شدن به مشاغل کاذب همچون دستفروشی، تا شغل های مضر و زیان آور همچون کولبری و گردآوری زباله، تا بی خانمانی و کارتن خوابی و اتوبوس خوابی و گورخوابی، تا فروش اعضای بدن، تا گسترش انواع آسیب های اجتماعی از جمله سرراه گذاشتن و فروش نوزاد، فروش کودک، تن فروشی، اعتیاد، خودکشی و ...

● خرید و فروش نوزاد نیز از پدیده هایی است که در اثر فقر در ایران بازار داغی دارد. پای دلالان خرید و فروش نوزاد به شبکه های اجتماعی نیز باز شده است.

● در یک مورد معاون دادستان مشهد از دستگیری ۶ متهم خبر داد که به خرید و فروش ۲۵ نوزاد اعتراف کرده بودند. (سایت حکومتی فرارو - ۲۵ آذر ۱۴۰۰)

● قبلاً اجاره رحم در ایران مرسوم نبود اما امروز در اثر گسترش فقر، می توان زنان اجاره دهنده را در بیشتر استان های کشور پیدا کرد. این زنان بیشتر کسانی هستند که نیاز شدید مالی دارند.

● بهای رحم اجاره ای نسبت به دو سال گذشته که نزدیک به ۲۰ میلیون تومان بود افزایش چهاربرابری داشته و به ۸۰ میلیون رسیده است. روزنامه حکومتی صبح امروز - ۱۵ آذر ۱۴۰۰

خودکشی

● معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی از فوت سالانه ۴۱ هزار نفر به دلیل خودکشی در ایران خبر داد. وی افزود: «ممکن است بسیاری به خاطر اقدام به خودکشی به بیمارستان بروند که اصلاً ثبت نمی شود.» (سایت حکومتی خبرآنلاین - ۳۰ تیر ۱۴۰۰)

● معمولاً اگر تعداد خودکشی های منجر به مرگ را ضربدر ۳۰ بکنیم آمار کل اقدام به خودکشی به دست می آید. بر اساس این ارقام، آمار تکان دهنده اقدام به خودکشی در ایران سالانه معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است. آمار خودکشی های نافرجام معمولاً چندان بازتاب پیدا نمی کند و آمارها بیشتر از آن چیزی است که به صورت رسمی اعلام می شود. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۹ خرداد ۱۳۹۹)

● روزانه و به طور متوسط ۱۵ تن از دخترانی که خودشان را از آسانسور، پل یا پشت بام پرت می کنند کشته می شوند. بیشتر خودکشی ها مربوط به سنین بین ۱۲ تا ۱۸ سال است. تعداد دخترانی که خودکشی می کنند از پسرها بیشتر است. (روزنامه حکومتی جهان صنعت - ۱۲ مهر ۱۴۰۰)

آمار تکان دهنده اقدام به خودکشی در ایران سالانه معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است

روزانه و به طور متوسط ۱۵ تن از دخترانی که خودشان را از آسانسور، پل یا پشت بام پرت می کنند کشته می شوند



اقدام به خودکشی در ایران

● رزیدنت ها همان دستیاران پزشکی هستند که در بیمارستان های ایران اکثراً تحت نظارت دانشگاه های علوم پزشکی مشغول به کار می باشند. مشکلات روحی و جسمی این پزشکان جوان بر اثر کمبود شدید نیرو، فشار کار بالا، کار کردن در شیفت های پیاپی و بی خوابی های چند روزه، قراردادهای ۸۹ روزه، حقوق ناچیز ۲ میلیون تومانی و نداشتن بیمه، عدم پرداخت مطالبات حداقلی، دوری از خانواده و فرزند، هجوم مردم به بیمارستان ها و مرگ بیماران تشدید می شود. (روزنامه حکومتی آرمان ملی - ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰)

● یک جامعه شناس و استاد دانشگاه در مورد افزایش خودکشی ها در ایران یکی از اصلی ترین دلایل خودکشی در جامعه را بی اعتمادی مردم به مسئولان خواند.



● از جمله موارد خودکشی که طی سال گذشته توجهات بسیاری را جلب کرد، خودکشی سریالی رزیدنت ها بود. طبق آمار رسمی حدود ۱۱ رزیدنت در سال ۱۴۰۰ جان شان را از دست داده اند. (خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۱۲ آبان ۱۴۰۰)



گزارش سال ۲۰۲۲

کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران

ISBN 978-2-35822-012-5



-  women.ncr-iran.org/fa
-  [@womenncri](https://twitter.com/womenncri)
-  [@womenncri](https://www.facebook.com/womenncri)